



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com  
www.ghaemiyeh.org  
www.ghaemiyeh.net  
www.ghaemiyeh.ir

حکایت  
خیر

تصرف  
جزایر مجنون

(مطابق معجزات و معجزات)

برای مطالعه و تحقیق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# عملیات خیر

نویسنده:

مرکز مطالعات و تحقیقات سپاه

ناشر چاپی:

مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

# فهرست

۵	فهرست
۷	عملیات خیبر: تصرف جزایر مجنون
۷	مشخصات کتاب
۷	اشاره
۱۴	مقدمه
۱۷	شناسنامه عملیات
۱۸	مروری بر اوضاع قبل از عملیات خیبر
۱۸	ضرورت تغییر در شیوه ی نبرد
۲۰	تشکیل قرارگاه خاتم الانبیا
۲۰	عملیات های فریب
۲۱	وضعیت نیرو
۲۱	پشتیبانی همه جانبه از عراق
۲۳	عملیات خیبر، تصرف جزایر مجنون
۲۳	جایگاه عملیات در استراتژی نظامی ایران
۲۳	دلایل انتخاب منطقه عملیات
۲۴	وضعیت طبیعی منطقه
۲۵	موقعیت جغرافیایی منطقه
۲۶	وضعیت دشمن
۲۷	طراحی عملیات
۲۷	طرح مانور
۲۹	سازمان رزم
۲۹	اشاره
۲۹	سپاه پاسداران انقلاب اسلامی
۲۹	ارتش جمهوری اسلامی ایران

۳۱	شرح عملیات (بسیست روز نبرد و مقاومت طاقت فرسا)
۳۹	نتایج و دستاوردهای عملیات
۳۹	یگان های درگیر دشمن و میزان خسارت آنها
۳۹	تلفات و خسارات دشمن
۴۰	مناطق تصرف شده
۴۰	غنائم
۴۱	بازتاب عملیات
۴۱	اشاره
۴۲	بازتاب سیاسی عملیات
۴۲	واکنش امریکا
۴۵	واکنش عراق
۵۱	واکنش رسانه های غرب
۵۳	بازتاب نظامی عملیات
۵۸	پس از خیبر
۵۸	طراحی عملیات در جنوب بصره، منتفی شدن اجرای آن، موقعیت دشوار پس از عملیات خیبر
۶۲	ضمیمه: توصیف گوشه ای از عملیات خیبر، یادى از شهید حمید باکری
۶۷	درباره مرکز

## عملیات خیبر: تصرف جزایر مجنون

### مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور: عملیات خیبر: تصرف جزایر مجنون (طراحی، اجرا، نتایج، بازتاب ها) / تهیه و آماده سازی مدیریت بهره دهی مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.

مشخصات نشر: تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۸۲.

مشخصات ظاهری: ۵۹ ص.؛ مصور؛ ۱۱ × ۲۱ س م. + ۱ ورق نقشه تا شده.

شابک: ۲۰۰۰ ریال؛ ۵۰۰۰ ریال: چاپ دوم: ۹۶۴-۶۳۱۵-۵۶-۹

یادداشت: پشت جلد به انگلیسی: The battle of kheibar: seizure of majnoon Islands.

یادداشت: چاپ اول: ۱۳۸۲.

یادداشت: چاپ دوم: ۱۳۸۷.

یادداشت: کتابنامه: ص. ۵۴ - ۵۵.

موضوع: جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹ - ۱۳۶۷ -- عملیات خیبر

موضوع: جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹ - ۱۳۶۷ -- نبرد ها

شناسه افزوده: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی. مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ. مدیریت بهره وری

شناسه افزوده: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی. مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ

رده بندی کنگره: DSR۱۶۰۷ / خ ۹ ع ۸ ۱۳۸۲

رده بندی دیویی: ۹۵۵/۰۸۴۳

شماره کتابشناسی ملی: م ۸۲-۳۴۳۴۵

ص: ۱

اشاره















دوران هشت سال دفاع و مقاومت جمهوری اسلامی ایران در برابر هجوم نظامی رژیم عراق - که با ترغیب امریکا آغاز شد و با پشتیبانی همه ی قدرت های سیاسی، نظامی و اقتصادی جهان ادامه یافت - از بارزترین مقاطع حیات حقیقی این مرز و بوم است.

اینک که بیش از پانزده سال از پایان این دوره ی سرنوشت ساز تاریخ ایران و انقلاب اسلامی می گذرد، تبیین حماسه های عظیم و ارزشمندی که مردم و رزمندگان این سرزمین آفریدند، ضرورت بیشتری پیدا کرده است.

مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ با درک این رسالت تاریخی، تلاش می کند با بهره گیری از اسناد، مدارک و منابع بی نظیری که راویان و محققان این مرکز در طول جنگ هشت ساله جمع آوری کرده اند، ابعاد مختلف دفاع مقدس را ترسیم نماید.

بی تردید وجود اخبار، گزارش ها، آمار و اطلاعات معتبر و موثقی که از مراکز طرح ریزی، هدایت و فرماندهی عملیات ها تا میدان نبرد و صحنه های درگیری به صورت زنده و واقعی جمع آوری گردیده بر غنای آثار مرکز مطالعات می افزاید و زوایای مختلف و تاریک جنگ را با هدف آگاه سازی افکار عمومی روشن می سازد.

مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ تاکنون مجموعه های متعددی را درباره ی وقایع جنگ عراق علیه ایران منتشر کرده است. این مجموعه که گزارش نبردهای اصلی رزمندگان اسلام در مقابله با ارتش عراق و هم پیمانانش می باشد، برای دسترسی آسان تر و آشنایی بیشتر علاقه مندان و محققان به وقایع این نبرد عظیم است که هر جلد آن

به یکی از عملیات های اصلی جمهوری اسلامی علیه متجاوزان اختصاص دارد و به صورت نسبتاً خلاصه و جمع بندی شده تهیه می شود و شامل شناسنامه ی عملیات، اوضاع سیاسی و نظامی در آستانه عملیات، طرح ریزی و اجرای عملیات، و نتایج و بازتاب های آن می باشد.

این کتاب به کوشش مهدی خداوردی خان و حمیدرضا فراهانی با استفاده از اسناد نظامی منتشر نشده ی مرکز مطالعات، منابع سیاسی و کتاب های منتشر شده ی مرکز از جمله کتاب «تنبیه متجاوز» (نوشته حسین اردستانی) تهیه شده است. مهدی انصاری آن را ویرایش کرده و در آماده سازی آن سیده زهره بطحایی (حروف چینی)، حسین مجیدی (نمونه خوانی)، بیژن اردویی (صفحه آرائی)، حسین امجد (طرح جلد) و احمد نصرتی (کنترل نهایی) همکاری کرده اند.

امید است این تلاش ناچیز مورد رضای حضرت حق جل و علا و موجب ادای گوشه ای از حق شهیدان، جانبازان و رزمندگان این نبرد عظیم و مقتدایشان حضرت امام خمینی شود و مورد استفاده ی جویندگان حقایق این واقعه بزرگ قرار گیرد.

مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ

۱۳۸۲

ص: ۹





## شناسنامه عملیات

نام عملیات: خیبر

رمز عملیات: یا رسول الله (ص)

منطقه عملیات: جبهه جنوبی - هورالهوریزه

تاریخ عملیات: ۱۲/۳ تا ۱۲/۲۲/۶۲

نوع عملیات: گسترده

هدف: عبور از هور و تهدید بصره از سمت شمال

فرماندهی عملیات: مشترک (سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و ارتش جمهوری اسلامی ایران)

سازمان رزم عملیات: مشترک (سپاه و ارتش)

استعداد نیروهای درگیر خودی: ۲۴۶ گردان پیاده، ۳۷ گردان زرهی، ۷ گردان توپخانه

استعداد نیروهای درگیر دشمن: ۱۲۲ گردان پیاده، ۲۹ گردان زرهی، ۲۳ گردان مکانیزه، ۱۴ گردان کماندو، ۴ گردان گارد

جمهوری

تلفات عراق: ۱۵۰۰۰ کشته یا زخمی، ۱۱۴۰ اسیر

خسارات عراق: انهدام ۶ هواپیما، ۹ هلی کوپتر، ۱۵۰ تانک و نفربر و ۲۰۰ خودرو

غنایم: ۱۰ دستگاه تانک و نفربر، ۶۰ دستگاه ماشین آلات مهندسی

نتایج: آزادسازی ۱۰۰۰۰ کیلومتر مربع در منطقه هور و ۱۸۰ کیلومتر مربع در جزایر مجنون و طلائیه.

ص: ۱۱

### ضرورت تغییر در شیوه ی نبرد

در پایان عملیات والفجر ۱، فرماندهان نظامی به درک جدیدی از توانایی های دشمن و وضعیت عمومی صحنه جنگ دست یافتند که بر اساس آن می بایست در شیوه رویارویی با دشمن و انتخاب زمین درگیری تغییرات اساسی داده می شد. همین درک موجب شد مرداب های هورالهویزه برای عملیات بعدی انتخاب شود. این ره یافت هنگام عملیات والفجر مقدماتی برای فرمانده کل سپاه حاصل شده بود، وی در همان زمان نیز از منطقه هور دیدن کرد، اما پس از عملیات والفجر ۱ در سطح استراتژی عملیاتی، تأثیر خود را بر جای گذاشت.

در دوره پس از آزادی خرمشهر، عراق با اقداماتی توانست موازنه قوا را به نفع خود تغییر دهد. تغییرات اساسی در زمین های استراتژیک و مسلح کردن آنها به استحکامات پیچیده، دگرگونی در سازمان رزم و افزایش تیپ ها و لشکرها و همچنین استفاده از تجهیزات و سلاح های بهتر و بیشتر، از جمله این اقدامات بود. در واقع، تغییر در زمین، نیرو و سلاح سه عامل اساسی دگرگون شدن ساختار نظامی و توانایی های ارتش عراق به شمار می رفتند که به همراه اطلاعات مناسب، موجب تسلط آنها بر صحنه نبرد شد.

افزون بر این، کارا نبودن تاکتیک های دوره گذشته نیروهای خودی نشان داد که باید ابتکار جدیدی وارد برنامه ریزی و استراتژی نظامی ایران شود. این نتیجه گیری، به ویژه در عملیات والفجر مقدماتی به

دست آمد. فرماندهان نیروهای مسلح ایران پی بردند که مانور در سرزمین عراق با ویژگی های خاص خود، با مانور در سرزمین ایران علیه دشمن، که دارای ضعف های اساسی بود، تفاوت ماهوی دارد و نباید به شیوه گذشته به جنگ ادامه داد. بنابراین، باید مانور تغییر کند و یا زمین جدیدی برای نبرد انتخاب شود.

این ره یافت، مهم ترین نتیجه گیری فرماندهان نظامی پس از عملیات والفجر مقدماتی بود. زیرا توانایی زرهی، آتش و نیروی هوایی دشمن به گونه ای تقویت شده و توسعه یافته بود که بدون تغییر در مانور و زمین، امکان ادامه نبرد بسیار مشکل می نمود. از این رو، منطقه هورالهوریزه برای عملیات انتخاب شد. در این استراتژی، ابتکار عمل جایگزین منابع نظامی شد تا بن بست جنگ شکسته شود. مزید بر این، در صحنه تصمیم گیری عملیاتی، ارتش و سپاه تا حدود زیادی با استقلال عمل، به برنامه ریزی پرداختند. واگرایی در روابط ارتش و سپاه که از عملیات رمضان به شکل کم رنگی آغاز شده بود، در عملیات والفجر مقدماتی تقویت شد. اجرای عملیات به سبک گذشته که نیروهای ارتش و سپاه در کنار یکدیگر و به طور مشترک وارد عمل می شدند، به دلیل مشکلاتی که در تصمیم گیری و خصوصا در اجرا وجود داشت، در این مرحله کارساز به نظر نمی رسید. سپاه خواستار آن بود که به طور جداگانه و مستقل و در مناطق مشخص، عمل کند، برای همین، در عملیات خیبر شکل جدیدی از سازمان رزم و هماهنگی بر مبنای هدف اصلی عملیات، به وجود آمد.

منطقه هورالهوریزه به عنوان ابتکار عمل جدید در جنگ، با نظر سپاه پاسداران انتخاب شد و بر همین اساس، این منطقه به سپاه و منطقه زید نیز به ارتش واگذار شد. این دو منطقه به عنوان مناطق واسط، امکان دست یابی به هدف اصلی عملیات، یعنی پل نشوه را فراهم می ساختند که پس از رسیدن نیروها به آنجا، عملیات در مراحل بعد به سمت بصره ادامه می یافت. علاوه بر این، ارتش و سپاه یگان هایی نیز در اختیار یکدیگر قرار دادند؛ تیپ ۷۲ محرم، لشکرهای ۱۴

امام حسین (ع) و ۷ ولی عصر (عج) از سپاه در کنترل عملیاتی ارتش قرار گرفت، و لشکر ۹۲ زرهی از ارتش نیز که در خط دفاعی بود در همان منطقه کوشک - طلائییه در کنترل عملیاتی سپاه درآمد.

### تشکیل قرارگاه خاتم الانبیا

در وضعیت جدید، به یک فرمانده هماهنگ کننده ی بالاتر نیاز بود، به همین دلیل و مهم تر از آن به دلیل سخت و پیچیده شدن جنگ، در زمستان ۱۳۶۲، حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی به فرمان امام خمینی به عنوان فرمانده عالی جنگ انتخاب شد و با تشکیل قرارگاه خاتم الانبیا (ص) در رأس سپاه و ارتش قرار گرفت. ستاد قرارگاه خاتم نیز از عناصر سپاه و ارتش به طور مشترک تشکیل شد. فرماندهی جدید جنگ و ستاد قرارگاه خاتم در ابتدای کار به دلیل نداشتن تجربه کافی نظامی، بیشتر هماهنگ کننده سپاه و ارتش و تأمین کننده نیازهای لجستیکی و پشتیبانی جنگ بودند و در تعیین هدف های کلان و استراتژی نظامی جنگ نقش داشتند و تدوین استراتژی عملیاتی و پیشبرد جنگ همچنان به دست فرماندهان نظامی انجام می شد.

### عملیات های فریب

ده روز پیش از عملیات خیبر و نیز هم زمان با آن، سه عملیات فریب در جبهه های شمالی و میانی اجرا شد. این عملیات ها با آنکه دارای هدف های عملیاتی و محلی نیز بودند، ولی مهم ترین هدف مشترک آنها، انحراف ذهن دشمن از منطقه هورالهوریزه بود، زیرا در صورت آگاهی دشمن از منطقه عملیات اصلی، اجرای عملیات به خطر می افتاد.

این عملیات ها عبارت بودند از: عملیات تحریرالقدس (۲۱ بهمن ۱۳۶۲) در منطقه سد دربندیخان در شمال عراق، عملیات والفجر ۵ (۲۶ بهمن ۱۳۶۲) در منطقه چنگوله در جنوب مهران و عملیات

## وضعیت نیرو

از جمله تلاش های مهم داخلی در این دوره اجرای مانور آزادی قدس در ۹۰ منطقه کشور بود که در پی اعزام لشکرهای قدس به جبهه صورت گرفت. این طرح به تدریج در تمام استان ها و شهرستان های کشور فراگیر شد و سیل نیروهای بسیجی اعزام جبهه های جنگ شدند، به گونه ای که سازمان رزم سپاه، لبریز از نیرو شد و برخی لشکرها علاوه بر گردان های سازمانی خود، ۲۵ گردان دیگر را نیز در خود جای دادند.

## پشتیبانی همه جانبه از عراق

پیش از اجرای عملیات خیبر، رسانه های جمعی عراق و حامیان آن، تبلیغات گسترده ای را درباره توانایی های ارتش عراق در جلوگیری از حملات رزمندگان آغاز کردند و رژیم صدام نیز به صراحت اعلام کرد که هر گونه عملیات نیروهای ایرانی به داخل خاک عراق را با شکست روبه رو خواهد کرد. در این حال، در اواخر سال ۱۳۶۲ رادیوهای امریکا، بی.بی.سی، کلن، بغداد و اسرائیل تبلیغات گسترده ای درباره استقرار صدها هزار تن از نیروهای ارتش و سپاه در جبهه های جنوبی به راه انداختند و جالب اینکه، تحلیل گران و مفسران این رادیوها حتی محل عملیات آینده ایران را نیز پیش بینی کرده، بیشتر از منطقه بصره و مناطق شرقی آن نام می بردند.

پیش از آغاز عملیات خیبر، در سطح بین المللی و منطقه ای چند مسئله با اهمیت به وقوع پیوست:

الف) وزارت خارجه امریکا تصمیم این کشور را درباره حمایت علنی از عراق اعلام کرد. (۲) معاون وزارت خارجه امریکا گفت که امریکا نگران پیروزی جمهوری اسلامی در جنگ با عراق است. (۳) همچنین،

ص: ۱۵

۱-۱. مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه، آمار و جمع بندی کارنامه عملیات تحریرالقدس.

۲-۵. خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲ / ۸ / ۱۳۶۲.

۳-۵. خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲ / ۸ / ۱۳۶۲.

در هفتم بهمن ۱۳۶۲، ریچارد مورفی، معاون وزیر خارجه امریکا در بغداد با صدام ملاقات کرد.

ب) تحویل هواپیماهای سوپراتاندارد فرانسوی به عراق.

ج) تصویب قطع نامه شماره ۵۴۰ شورای امنیت سازمان ملل درباره جنگ در ۹ آبان ۱۳۶۲. در این قطع نامه از جمله موارد زیر به تصویب رسید:

«شورای امنیت؛

...

- همه موارد نقض حقوق بین الملل بشردوستانه در تمام زمینه ها، به ویژه مفاد کنوانسیون های ۱۹۴۹ ژنو را محکوم می کند و خواستار قطع فوری همه ی عملیات های نظامی علیه هدف های غیر نظامی، از جمله شهرها و مناطق مسکونی، می شود.

- حق کشتی رانی و تجارت آزاد در آب های بین المللی را تأیید می کند و از همه دولت ها می خواهد به این حق احترام بگذارند و از طرف های درگیر می خواهد که همه ی مخاصمات را در منطقه خلیج (فارس) فوراً متوقف کنند و به تمامیت ارضی دیگر دولت های ساحلی احترام بگذارند.

- از دبیر کل درخواست می کند که با طرف های درگیر درباره راه های ادامه ی قطع مخاصمات و نظارت بر آن، از جمله امکان اعزام ناظران، مشورت کند و گزارشی از نتایج آن به شورای امنیت تسلیم نماید.» (۱).

د) انفجار مقر تفنگداران امریکایی در بیروت (۲).

ص: ۱۶

---

۱- ۵. خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲/ ۸/ ۱۳۶۲.

۲- ۵. خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲/ ۸/ ۱۳۶۲.

### جایگاه عملیات در استراتژی نظامی ایران

در دوران جنگ اجرای عملیات در شمال بصره از اهمیت استراتژیک برخوردار بود. از لحاظ استراتژی نظامی و اهداف آتی جنگ، هدف این عملیات تصرف شهر بصره بود. به طور کلی جبهه های جنوبی به دلیل اهمیتی که در سرنوشت جنگ داشتند، در استراتژی نظامی از دو بعد مورد توجه بودند:

۱ - به عنوان مناطق واسط برای رسیدن به بصره.

۲ - به عنوان مناطق اصلی که با هدف تصرف بصره عملیات در آنها اجرا می شد.

افزون بر این، مسئولان سیاسی و نظامی کشور معتقد بودند که اجرای عملیات بزرگ و موفق در جبهه جنوب، در تحقق تنبیه متجاوز - به عنوان استراتژی جنگ در بعد سیاسی - بسیار مؤثر خواهد بود.

### دلایل انتخاب منطقه عملیات

منطقه هورالهویزه برای اجرای عملیاتی بزرگ در سال ۱۳۶۲ انتخاب شد. عملیات خیبر تا آن زمان (سال ۱۳۶۲) ابتکار عملی بی نظیر در جنگ به شمار می رفت. این منطقه می توانست جبهه خودی را دوباره از توانایی های گذشته بهره مند ساخته، دشمن را با وجود پیچیدگی در خطوط دفاعی و طرح های پاتک، از امکان مقابله با رزمندگان

اسلام محروم کند. زیرا دشمن تصور نمی کرد ایران در هورالهوریزه که دارای وسعت زیاد و فاصله طولانی از ساحل تا هدف ها بود، دست به عملیات بزند، چون ایران در چهار سال گذشته هیچ گاه در این منطقه عملیاتی اجرا نکرده بود.

پیچیدگی و پر مانع بودن خطوط دفاعی عراق در جبهه جنوب و وجود استحکامات و خاکریزهای متعدد، موجب شد تا فرماندهان سپاه در پی یافتن منطقه ای برای عملیات باشند که در آن استفاده از توانایی های خودی امکان پذیر باشد و از اجرای تک جبهه ای پرهیز شود. در این میان، منطقه هورالهوریزه بیش از سایر مناطق از این ویژگی ها برخوردار بود. در واقع، رزمندگان اسلام می توانستند در این منطقه یک بار دیگر حمله به دشمن را توأم با غافل گیری از جناح و بدون برخورد با خطوط پر مانع، انجام دهند. دلیل دیگر انتخاب این منطقه عملیاتی، بی توجهی دشمن به آن بود؛ زیرا عراق به تصور اینکه ایران از این منطقه دست به حمله نمی زند، سازمان نظامی مناسبی در آن مستقر نکرده بود، طوری که کل منطقه عملیاتی، از العزیر تا القرنه و جزایر مجنون را چند گردان پدافندی حفاظت می کردند. در مجموع می توان گفت که منطقه هور با در نظر گرفتن توان نیروهای خودی و دشمن، و نیز نقش زمین و تأثیر گذاری آن، انتخاب شد (۱).

هدف از عملیات خیر، انهدام نیروهای سپاه سوم ارتش عراق، تأمین جزایر مجنون شمالی و جنوبی و ادامه تک از جزایر و محور طلائی به سمت نشوه و الحاق با نیروهایی بود که از محور زید به دشمن حمله می کردند. در این عملیات، همچنین در نظر بود که خشکی شرق دجله از طریق هور تصرف شود تا امکان تقویت های عمده، از سمت شمال به سپاه سوم ارتش عراق از میان برود.

### وضعیت طبیعی منطقه

هور منطقه ای است عموماً هم سطح دریا که در بعضی جاها سطح آب دو تا سه متر بالاتر از آب دریا است و نسبت به مناطق همجوار

ص: ۱۸



گودتر می باشد و در مسیر رودخانه های قدیمی و دائمی به وجود می آید.

در منطقه هورالهویزه آب رودخانه سوئیب - که ادامه نهر سابله (نهر انشعابی کرخه) بوده و از وسط هور می گذشته - بعدها به علت مسدود شدن مجاری خروجی رودخانه، در سطح زمین های اطراف پخش و به آب هورالهویزه اضافه شده است.

رویدنی های منطقه هور عبارتند از:

«نی»: ارتفاع آن از ۲ تا ۷ متر است و عمدتاً در جاهای عمیق می روید.

«بردی»: ارتفاع آن معمولاً ۱ تا ۲ متر است.

«چولان»: در جاهای کم عمق می روید و ارتفاع آن کمتر از ۵۰ سانتی متر است.

به علت پوشش فشرده سطح هور از نی، بردی و چولان، تردد در آن تنها از معابری خاص (آبراه ها، نهرها و یا محل عبور حیوانات وحشی) صورت می گیرد.

### موقعیت جغرافیایی منطقه

منطقه عملیاتی خیبر در شرق رودخانه دجله و داخل هورالهویزه واقع شده است. این منطقه از شمال به العزیر و از جنوب به القرنه - طلائیه (و نیز یک محور در زید) محدود می گردد. این منطقه دو طبیعت متفاوت دارد: هور و خشکی؛ که عرض آن ۸ تا ۱۰ کیلومتر است و دو هور بزرگ، یکی هورالهویزه در شرق و دیگری هورالحمار در غرب، آن را احاطه کرده اند.

رودخانه دجله این منطقه را به دو قسمت شرقی و غربی تقسیم کرده که سه چهارم آن در شرق رودخانه واقع است. ضمناً جاده مواصلاتی عماره - بصره در غرب رودخانه دجله قرار دارد.

همچنین جزایر مجنون شمالی و جنوبی داخل این منطقه عملیاتی واقع شده است. در این منطقه تأسیساتی نیز وجود دارد که عبارتند

از: دکل های برق، دکل های تقویتی رادیو تلویزیون، تأسیسات و کارخانجات کاغذسازی، چاه های نفت و... همچنین در حاشیه دجله حدود ۵۰ روستا وجود دارد که هنگام عملیات خیبر، همه آنها دارای سکنه غیرنظامی بودند (۱).

### وضعیت دشمن

ارتش عراق در این منطقه، خط دفاعی مشخص که دارای رده های مختلف پدافندی، موانع و استحکامات باشد، ایجاد نکرده بود. در داخل جزایر مجنون نیز نیرویی در حد یک گردان از افراد جیش الشعبی مستقر بود. همچنین در محور شمالی (العزیر - رطه) و محور جنوبی (القرنه) نیز نیروهای مرزی به صورت پاسگاهی مستقر بودند. لیکن در محور طلائیه خط دفاعی مستحکم همراه با موانع و کانال وجود داشت. (۲) در محور زید نیز موانع و خطوط دفاعی دشمن از پیچیدگی خاصی برخوردار بودند.

به طور کلی، در منطقه عمومی خیبر، قبل از عملیات، این یگان ها آرایش نظامی داشتند:

لشکر ۱۹ پیاده شامل پنج تیپ پیاده و یک تیپ زرهی

لشکر ۶ زرهی شامل سه تیپ

نیروهای جیش الشعبی و پاسگاه های مرزی (۳).

ص: ۲۰

---

۱-۷. همان، ص ۸۳.

۲-۸. مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، گزارش عملیات خیبر، حسین اردستانی، ۱۳۶۳، ص ۵۲.

۳-۹. همان، ص ۵۶.

در طراحی عملیات، دو محور مستقل هورالهویزه و زید با هدف تصرف مناطق حساسی که می توانست زمینه ساز هجوم به بصره باشد، برای اجرای عملیات انتخاب شد. در محور هور، قرارگاه نجف (سپاه پاسداران) و در محور زید، قرارگاه کربلا (ارتش) برای اجرای عملیات مأمور شدند، با این تفاوت که عملیات اصلی و تعیین کننده، در هور انجام می شد.

در محور هور، پنج هدف اصلی مشخص شد: ۱- العزیر ۲- القرنه ۳- جزایر مجنون جنوبی و شمالی ۴- نشوه ۵- طلائیه.

در محور زید، یگان های ارتش پس از عبور از خط، می بایستی روی پل نشوه (واقع در غرب نهر کتیبان) به یگان های سپاه ملحق می شدند و سپس در مرحله سوم، برای حمله به بصره طرح ریزی صورت می گرفت. در واقع، پل نشوه مرحله پایانی عملیات خیر بود، اما بصره به عنوان هدف عملیات اعلام شد تا آمادگی یگان ها و خیزی که برداشته می شد، زمینه ساز مرحله بعدی عملیات باشد.

سپاه برای تصرف هدف های عملیات، پنج قرارگاه تشکیل داد و مأموریت تصرف هر هدف را به یک قرارگاه واگذار کرد:

۱- قرارگاه نصر، با هدف تصرف و تثبیت محور العزیر. مأموریت این قرارگاه بسیار دشوار و حساس بود. نیروهای این قرارگاه وظیفه داشتند که با بستن جاده عماره - بصره، ضمن تأمین جناح شمالی عملیات، از ورود دشمن به جنوب این محور جلوگیری کنند. آنان برای رسیدن به این هدف و پشتیبانی از آن، می بایستی مسیری طولانی را طی می کردند.

۲- قرارگاه حدید، با هدف تصرف و تثبیت محور القرنه. این قرارگاه نیز وظیفه سنگینی به عهده داشت و یگان های آن مأموریت داشتند که سه راهی القرنه (محل تقاطع مسیر بغداد - بصره - عماره) را مسدود کنند.

در این میان، فاصله زیاد عقبه تا خط، مشکل بزرگی برای آنها به شمار می رفت.

۳- قرارگاه حنین، با هدف تصرف جزیره جنوبی و نیمه شرقی و شمال جزیره شمالی و الحاق با محور طلائیه.

۴- قرارگاه فتح، با هدف شکستن خط پر مانع طلائیه و الحاق با قرارگاه حنین. قرارگاه فتح مأموریت داشت، با شکستن خط و باز کردن راه زمینی، امکان پشتیبانی قرارگاه های حنین، نصر و حدید را فراهم کند. همچنین، اجرای مرحله دوم عملیات به سوی نشوه و پل دوعیجی که قرار بود قرارگاه بدر انجام دهد، بستگی زیادی به باز شدن راه زمینی داشت.

۵- قرارگاه بدر، با هدف تصرف نیمه غربی جزیره جنوبی و پل نشوه، پس از آنکه قرارگاه حنین جزایر را تصرف کرده و قرارگاه حدید سه راه القرنه را تأمین کرد. به دلیل اهمیت مأموریت قرارگاه بدر، دو لشکر مهم سپاه به آن مأمور شدند.

۶- قرارگاه نوح نیز ترابری دریایی و پشتیبانی یگان های عمل کننده را در هور به عهده داشت (۱).

علاوه بر این، با توجه به طولانی بودن عقبه خودی بر روی آب و نبودن عقبه خشکی و همچنین ضرورت سرعت عمل در انتقال نیرو به محورهای مهم، استفاده از تیم های هوانیروز در تدبیر عملیاتی در نظر گرفته شد. هوانیروز ارتش مأموریت داشت در امر انتقال نیرو و امکانات به محور عملیاتی هور - که فاقد راه زمینی بود - فعالیت کند. در این محورها، نقش هلی کوپتر بسیار مهم بود. بنابراین، فرمانده هوانیروز ارتش به همراه فرماندهان ارشد آن، برای اجرای عملیات در کنار هور مستقر شدند. نیروی هوایی ارتش نیز پشتیبانی و پدافند هوایی را به عهده داشت. در این عملیات، هواپیماهای اف - ۱۴ مأموریت برقراری امنیت هوایی و مقابله با جنگنده های میگ عراقی را به عهده داشتند (۲).

ص: ۲۲

---

۱- ۱۰. همان، ص ۳۷ تا ۴۷.

۲- ۱۱. همان، ص ۳۷.

## اشاره

در عملیات خیبر، نحوه هماهنگی سپاه و نیروی زمینی (ارتش) شکل دیگری غیر از آنچه قبل از این معمول بود، به خود گرفت. طوری که هدایت و فرماندهی عملیات بر عهده قرارگاه خاتم الانبیا (ص) بود و دو قرارگاه کربلا (ارتش) و نجف (سپاه پاسداران) نیز تحت امر این قرارگاه اقدام به تک می کردند.

یگان هایی که از سپاه پاسداران و ارتش جمهوری اسلامی در عملیات خیبر مأموریت داشتند، به تفکیک چنین بود:

## سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

لشکرهای ۵ نصر، ۸ نجف اشرف، ۱۴ امام حسین (ع)، ۱۷ علی ابن ابیطالب (ع)، ۱۹ فجر، ۳۱ عاشورا و ۴۱ ثارالله.

- تیپ های مستقل ۱۰ سیدالشهدا (ع)، ۱۵ امام حسن (ع)، ۱۸ الغدیر، ۲۱ امام رضا (ع)، ۳۳ المهدی (عج) و ۴۴ قمر بنی هاشم (ع).

- تیپ های مستقل زرهی ۲۰ رمضان، ۲۸ صفر و ۷۲ محرم.

- یگان دریایی (قرارگاه نوح).

در مجموع، سپاه پاسداران ۲۲۰ گردان عملیاتی و هفت گردان توپخانه در اختیار داشت.

## ارتش جمهوری اسلامی ایران

لشکرهای پیاده ۲۸، ۲۱ و ۷۷.

- لشکرهای زرهی ۸۱، ۱۶ و ۹۲.

سازمان رزم دو قرارگاه عملیاتی نجف و کربلا که تحت امر قرارگاه مرکزی خاتم الانبیا (ص) بودند، به شرح زیر بود:

۱ - قرارگاه نجف (سپاه پاسداران)

سپاه پاسداران برای اجرای عملیات قرارگاه های زیر را تحت امر

قرارگاه نجف تشکیل داد:

- قرارگاه نصر، شامل لشکر ۵ نصر و تیپ ۱۵ امام حسن (ع).

- قرارگاه حدید، شامل تیپ ۴۴ قمر بنی هاشم و تیپ ۲۱ امام رضا (ع).

- قرارگاه فتح، شامل لشکر ۲۷ محمد رسول الله (ص)، تیپ ۳۳ المهدی (عج)، تیپ ۱۸ الغدیر، تیپ ۲۰ رمضان، تیپ ۲۸ صفر و لشکر ۹۲ زرهی ارتش.

- قرارگاه حنین، شامل لشکر ۱۷ علی ابن ابیطالب (ع)، لشکر ۴۱ ثارالله و تیپ ۱۰ سیدالشهدا (ع).

- قرارگاه بدر، شامل لشکر ۸ نجف، لشکر ۳۱ عاشورا و لشکر ۱۹ فجر.

۲- قرارگاه کربلا

ارتش جمهوری اسلامی برای اجرای عملیات یگان های زیر را تحت امر قرارگاه کربلا به کار می گرفت:

- یگان های ارتش: لشکرهای ۷۷، ۲۱ و ۲۸ پیاده و لشکر ۸۱ زرهی.

- یگان های سپاه: لشکرهای ۱۴ امام حسین (ع) و ۷ ولی عصر (عج) و تیپ زرهی ۷۲ محرم.

گفتنی است که لشکرهای ۱۶ و ۹۲ زرهی ارتش در حین عملیات به کار گرفته شدند (۱).

بدین ترتیب نیروی زمینی ارتش با یگان های تحت امر خود، در محور زید آماده عملیات شد و سپاه پاسداران با ۲ لشکر پیاده و یک تیپ زرهی در این محور، برادران ارتش را کمک می کردند. همچنین سپاه پاسداران در محور اصلی عملیات خیبر (هور و طلائیة) آماده اجرای عملیات شد و ارتش نیز قرار شد با یک لشکر زرهی برادران سپاهی را کمک نماید.

علاوه بر این، طرح ریزی شده بود که در محورهای عملیات فریب، سپاه پاسداران با ۵ تیپ و یک لشکر اقدام به تک نماید (۲).

ص: ۲۴

۱- ۱۲. جزوه ۳۸ عملیات ص ۷۳.

۲- ۱۳. مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، از خرمشهر تا فاو، نوشته محمد درودیان، تهران، ۱۳۷۶.

## شرح عملیات (بیست روز نبرد و مقاومت طاقت فرسا)

یک روز پیش از اجرای عملیات، نیروها وارد هور شده و تا حد ممکن در داخل آبراه‌ها پیشروی کردند و سرانجام در ساعت ۲۱:۳۰ سوم اسفند ۱۳۶۲ عملیات خیبر با رمز «یا رسول الله (ص)» آغاز شد.

در مرحله اول عملیات در منطقه قرارگاه نجف، قرارگاه‌های نصر و حدید موفق شدند در محور العزیر و القرنه هدف‌های خود را تصرف کنند. در جزایر، وضعیت عملیات مطابق برنامه پیش نمی‌رفت. پاک‌سازی نشدن جزایر تا ساعت ۳:۳۰ بامداد مانع از آن شد که بعد از تصرف جزایر، نیروهای موج دوم بتوانند برای حمله، به سوی طلائیه حرکت کنند. لذا، در شب اول عملیات الحاق انجام نشد و به همین دلیل، قرارگاه فتح که می‌بایست پس از پاک‌سازی جزیره، به آن محور ملحق می‌شد، با مشکل مواجه گردید و با وجود شکستن خط و رسیدن به نزدیکی محل الحاق، مجبور به توقف شد و سرانجام، به دلیل حضور پرشمار قوای دشمن در محور طلائیه و مقاومت آنها، به رغم اجرای چند حمله برای الحاق یگان‌ها در دو محور طلائیه و جزیره، این مهم میسر نشد. ارتش عراق پس از کشف اهداف عملیات و محورهای اصلی تک، تلاش اصلی خود را ابتدا روی پاک‌سازی حوالی جاده بصره - العماره و سپس روی طلائیه متمرکز کرد.

تمرکز آتش دشمن در طلائیه، که زمینی بسیار محدود را شامل می‌شد، فوق‌العاده بود. چنانکه شهید حجت الاسلام میثمی که در آنجا حاضر بود، می‌گفت:

«هر کس در طلائیه ایستاد اگر در کربلا هم بود، می‌ایستاد.»<sup>(۱)</sup> ضرورت مقاومت در طلائیه به دلیل اهمیت این محور برای کل

ص: ۲۵

عملیات بود، چرا که در صورت الحاق و پاک سازی، عقبه خشکی برای نیروهای خودی وصل می شد و عملیات در ابعاد جدیدی گسترش می یافت (۱).

در محور زید، قرارگاه کربلا موفقیتی به دست نیاورد و صبح عملیات یگان های عمل کننده در این محور به عقب آمده و در خط قبل از عملیات مستقر شدند. این وضعیت مانع از آن شد که یگان های قرارگاه نجف بتوانند در محورهای القرنه و العزیر باقی بمانند، زیرا امکان پشتیبانی آنها وجود نداشت و راه زمینی نیز همچنان مسدود بود.

از سوی دیگر، دشمن با حضور سریع در منطقه که با اعلام آماده باش در مرکز استان عماره و انتقال یگان هایش همراه بود، با قوای زرهی و اجرای آتش، فشار زیادی بر این محور وارد می کرد؛ لذا، یگان های قرارگاه های نصر و حدید به ناچار به جزیره شمالی برگشتند. از این پس، جزیره، محور کنش و واکنش دو طرف درگیر بود. در این حال، به دلیل عدم تثبیت مواضع به دست آمده در جزیره، مشکل پشتیبانی آتش و تجهیزات و تأمین نیروی انسانی، در مورد سرنوشت جزیره به شدت احساس خطر می شد. اوضاع نامناسب و بسیار سخت بود. در حالی که فرماندهان امید زیادی به عملیات بسته بودند، تمام دستاوردها در حال زوال بود، طوری که محسن رضایی فرمانده کل سپاه به یکی از روحانیان حاضر در قرارگاه گفت:

«در طول جنگ، ما این جور ذوب نشدیم.» (۲).

برای خارج شدن از این وضع نگران کننده، سپاه تصمیم گرفت بار دیگر تمام توان خود را برای باز کردن محور طلائی به کار گیرد. از سوی دیگر، اوضاع نابسامان جبهه موجب تزلزل عمومی نیروها شده بود و حفظ جزایر نیز در هاله ای از ابهام و تردید قرار داشت.

در پنجمین روز عملیات (۸ / ۱۲ / ۱۳۶۲)، پس از آنکه اخبار اوضاع جبهه به تهران گزارش شد، آقای هاشمی رفسنجانی، فرمانده جنگ، به منطقه آمد و به سرعت خود را به سنگر فرماندهی سپاه رساند. وی

ص: ۲۶

۱- ۲۸. همان، ص ۲۴۹.

۲- ۲۹. خمیرمایه این مقاومت، گذشته جنگ و ضرورت کسب پیروزی اساسی و نیز پیام حضرت امام خمینی مبنی بر حسین وار جنگیدن بود. در این عملیات سپاه پاسداران با تمامی توان خود برای دفع تهاجمات دشمن و حفظ جزایر مجنون ایستاد و در جریان نبرد با دشمن، شهادت و جراحت تعدادی از فرماندهان سپاه به مقاومت نیروها در جزیره جنوبی مجنون جلوه ای خاص بخشید. حاج ابراهیم همت، فرمانده لشکر ۲۷ محمد رسول الله (ص) و اکبر زجاجی، معاون اول این لشکر، هنگامی که سوار بر موتور به دنبال رساندن نیرو به خط بودند، بر اثر اصابت توپ در کنار یکدیگر، به شهادت رسیدند. حمید باکری، قائم مقام لشکر عاشورا نیز جلوه ای از حماسه مقاومت را در صحنه نبرد جزیره مجنون جنوبی به نمایش گذاشت؛ تعدادی از نیروهای لشکر ۳۱ عاشورا با فرماندهی وی، روی پل جنوبی جزیره جنوبی در مقابل محور اصلی پاتک دشمن ایستادگی کردند. «حمید» در همان جا با شهادت خود معنا و مفهوم حسین وار جنگیدن را به همگان نمایاند. پس از شهادت حمید



باکری، معاون دوم لشکر عاشورا، مرتضی یاغچیان بدانجا شتافت و هرگز باز نگشت. در قسمتی از وصیتنامه شهید حمید باکری آمده است: «ما به فرموده امام، حسین وار وارد جنگ شدیم و حسین وار به شهادت می رسیدیم.» پس از شهادت حمید باکری، جسد وی و سایر هم رزمانش در همان جا بر زمین ماند. (محمد درودیان، از خرمشهر تا فاو - مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، چاپ هفتم، ۱۳۸۱، ص ۹۰ و ۹۲).

به برادر محسن رضایی گفت:

«ما... اعلام کردیم که هر کس (هر یگان) هر چه در چنته دارد بیاورد میدان.»

برادر رضایی نیز پاسخ داد:

«ما هم گفته ایم که افراد تا حد فرمانده لشکر باید بجنگند. حتی اگر سازمان رزم سپاه مختل شود.» (۱).

پس از نشست فرماندهان عملیات با آقای هاشمی، برای خارج شدن از بن بست، حمله مجدد از محور طلائیة تشخیص داده شد تا شاید با باز شدن راه زمینی، گره عملیات گشوده شود. در ۱۰ اسفند ۱۳۶۲ حمله مورد نظر آغاز شد. اما مشکل عبور از زمین های آب گرفته مانع بزرگی بود. ساعت ۱ بامداد، دو تن از فرماندهان لشکر ۲۷ حضرت رسول (ص) به قرارگاه آمدند و وضع زمین را که بر اثر آب اندازی دشمن، باتلاقی و عبور از آن مشکل شده بود، به آقای هاشمی گزارش دادند. ایشان در پاسخ به آنها با ناراحتی گفت:

«این امر امام است که شما در هر شرایطی باید بروید جلو. اگر ما نتوانیم این هفت هشت کیلومتر را برویم جلو، دیگر نمی توانیم بجنگیم. الان صدام آن تبلیغات را به پا کرده، صد هزار نیرو پشت سر شما معطل مانده و آبروی جمهوری اسلامی در خطر است. بروید هر طور که می توانید خودتان را به دشمن برسانید.»

برادر رضا دستواره (شهید) در مقابل این اظهارات گفت:

«چشم! می رویم که یا شهید شویم و یا این گونه نزد شما برنگردیم.» (۲).

آقای هاشمی در بیان دیگری در جمع فرماندهان گفت:

«من خدمت امام هم عرض کردم و ایشان هم تأیید کردند که طوری برنامه ریزی کنید که در همین جا جنگ را تمام کنیم. چون این امر دیگر برای کشور قابل تحمل نیست.» (۳).

با وجود تلاش فراوان یگان های سپاه، به دلیل مقاومت نیروهای عراقی و آتش بسیار شدید آنها، باز هم حمله نیروهای خودی در محور

ص: ۲۷

۱- ۳۰. همان، ص ۲۶۹.

۲- ۱۸. همان، ص ۱۶۲.

۳- ۱۹. همان، ص ۱۶۳.

طلائیه ناکام ماند. نیروهای دشمن که در آغاز حمله مجبور شدند برخی مواضع خود را ترک کنند و عقب بروند، با فرا رسیدن روز، پاتک های پیاپی خود را آغاز کردند و سرانجام، مانع پیشروی لشکر ۱۴ امام حسین (ع) و لشکر ۲۷ حضرت رسول (ص) شدند.

در جریان حملات دشمن، برادر حسین خرازی فرمانده لشکر ۱۴ امام حسین (ع) به شدت مجروح و دست راستش قطع شد و در حالی که بدنش پر از ترکش بود، او را از میدان خارج کردند (۱).

با توقف پیشروی در محور طلائیه، وضعیت جدیدی پدید آمد. از این پس، جبهه خودی می بایست قابلیت و توانایی خود را در حفظ جزایر نشان می داد؛ کاری که بسیار دشوار می نمود. باور عمومی نیروها نیز آن بود که حفظ جزایر یا عملی نیست و یا بسیار دشوار است و باید بهای زیادی برای آن پرداخت. ارتش عراق پس از آنکه توانست رزمندگان اسلام را از محورهای العزیر، القرنه و طلائیه وادار به عقب نشینی کند، بیرون راندن نیروهای مستقر در جزایر را نیز محتمل می دانست، به ویژه آنکه از لحاظ عقبه، آتش، دفاع ضد هوایی، زرهی و ضد زره و ده ها عامل دیگر، بر نیروهای خودی برتری داشت.

پس از توقف درگیری در محور طلائیه تا شروع حمله به جزایر، حدود پنج روز جبهه ها حالت عادی داشت و دشمن تلاش خاصی از خود نشان نداد. در بعد از ظهر ۱۴ اسفند ۱۳۶۲، مسئولان بیت امام به قرارگاه اطلاع دادند که فرمانده سپاه به تهران بازگردد. همچنین گفته شد:

«امام فرموده اند: جزایر حتما باید نگه داشته شوند، هر طور که شده.» (۲).

این فرمان، تحولی اساسی در سرنوشت عملیات ایجاد کرد و سپاه این بار هر آنچه را که در اختیار داشت، از فرماندهان تا باقی مانده سازمان یگان ها را وارد صحنه کرد. از لحاظ روحیه و استقامت نیز توان سپاه دو چندان شد و همه، حفظ هدفی را که امام تعیین کرده

ص: ۲۸

۱- ۲۰. همان، ص ۱۵۹.

۲- ۲۱. همان، ص ۲۰۵.

بود، به بهای خون و جان خود در دستور کار قرار دادند. فرمانده سپاه در این باره گفت:

«از جزیره بیرون نمی رویم حتی اگر سازمان سپاه از بین برود.» (۱).

برادر شمشانی، قائم مقام فرمانده کل سپاه نیز به فرماندهان لشکرهای ۲۷ حضرت رسول (ص) و ۳۱ عاشورا گفت:

«بروید جزایر را حفظ کنید، این دستور امام است و من خودم می آیم آرپی جی می زنم. به هر حال احتمال پاتک به جزایر زیاد است.» (۲).

علاوه بر این، برادران محمد باقری، غلامعلی رشید و حسن دانایی به جزیره رفتند، مرخصی بسیجی ها لغو شد و به طور کلی، تمام فرماندهان سپاه به جز آقای محسن رضایی و در برخی مواقع آقای شمشانی، به داخل جزیره رفتند تا با هم فکری یکدیگر راه های حفظ جزایر را مشخص کنند.

مطابق پیش بینی امام و فرماندهان، پس از چند روز، در ۱۶ اسفند ۱۳۶۲، عراق با اجرای آتش سنگین، بمباران وسیع هوایی و استفاده از هلی کوپتر، تانک و نیروهای پیاده، پاتک سنگینی را به جزایر مجنون آغاز کرد. بیت امام که مرتب اوضاع جبهه را پیگیری می کرد، با آگاهی از شروع پاتک عراق به جزایر، با قرارگاه تماس گرفته و حجت الاسلام حاج احمد آقا خمینی از فرمانده سپاه وضعیت را جویا شد. آقای رضایی پاسخ داد:

«از لحاظ مهمات خیلی در مضیقه هستیم. الحمد لله وضع خوب است، ولی عراق با تمام قوا حمله می کند.» (۳).

حمله عراق در آن روز بدون نتیجه پایان یافت. اما دشمن در صبح روز ۱۷ اسفند ۱۳۶۲ حمله دیگری را آغاز کرد. این حمله دشمن با استفاده از تجهیزات و تسلیحات بیشتر و شدیدتر و وسیع تر بود. در مقابل، وضع جبهه خودی بسیار حاد و مهم ترین مسئله، کمبود نیرو و مهمات بود. در حالی که به مهمات نیاز بسیاری بود، سرهنگ موسوی قویدل یکی از فرماندهان ارتش اعلام کرد:

ص: ۲۹

---

۱- ۲۲. همان، ص ۲۱۱.

۲- ۲۳. همان، ص ۲۰۵.

۳- ۲۴. همان، ص ۲۱۹.

«در کل، ۱۳۰۰ عدد گلوله ۱۳۰ میلی متر در اختیار داریم.» (۱).

همچنین، برادر غلامعلی رشید از داخل جزیره پیام داد که اگر نیروهای حاج همت (لشکر حضرت رسول (ص)) نرسند، احتمال سقوط خط این لشکر زیاد است. عراقی ها نیز دست به جنگ روانی زده و به نیروهای ایرانی اعلام کردند، اگر جزایر را خالی نکنند، آنجا را به موشک بسته و به شدت بمباران می کنند. (۲) در این روز، دفتر امام به طور مستمر در تماس با قرارگاه، تحولات جنگ را پیگیری می کرد.

روز ۱۸ اسفند ۱۳۶۲، عراق حمله شدیدتری را آغاز کرد و سپاه و بسیج با همه وجود، پایداری و استقامت کرده و مانع از پیشروی دشمن شدند. وضعیت بسیار سخت و امکانات بسیار محدود بود. در این موقعیت دشمن از سلاح های شیمیایی نیز استفاده کرد. برادر غلامعلی رشید از جزیره به قرارگاه آمد و اوضاع را چنین توصیف کرد:

«وضع خط خراب است؛ در محور تپ سیدالشهدا دشمن رخنه کرده و هر شب دارد پیش می آید. (عراق) دائما نیرو می آورد و شدت عمل به خرج می دهد. نیروهای (ما) در خط خسته شده اند. آتش (دشمن) به شدت زیاد است. جاده، آب، غذا و نیرو کم است. پلیت و الوار برای ساختن سنگر، نیست و لودر و بلدوزر برای احداث خاکریز وجود ندارد. نیروها در خط، آرپی جی و کلاشینکف دارند و از ادوات استفاده می کنند. از شدت حمله دشمن، بچه ها دیگر قادر نیستند فکر کنند. این جزیره طلسم شده و ما هر کاری می کنیم با مشکل مواجه می شویم.» (۳).

در این حال، آقای انصاری از بیت امام در تماس با قرارگاه وضعیت را جویا شد. حجت الاسلام محلاتی (شهید)، نماینده امام در سپاه به وی گفت:

«به امام بگویید، شب جمعه است، دعا بفرمایند.» (۴).

از آغاز روز ۱۹ اسفند ۱۳۶۲، ارتش عراق باز هم حملات خود را از سر گرفت. اما این بار هم رزمندگان اسلام با گوشت و پوست و خون خود، قوای ارتش بعثی را متوقف کردند. شهادت فرماندهانی چون

ص: ۳۰

۱- ۲۵. همان، ص ۲۳۵.

۲- ۲۶. همان، ص ۲۳۱.

۳- ۲۷. همان، ص ۲۴۱.

۴- ۲۸. همان، ص ۲۴۹.

حاج ابراهیم همت، مرتضی یاغچیان، حمید باکری و اکبر زجاجی، بهایی بود که برای حفظ جزایر پرداخته شد (۱).

در این سه روز، اوج حماسه و استقامت و شهادت طلبی سپاهان و بسیجیان به نمایش گذاشته شد. جزیره سمبل پایداری و استقامت شده بود. آقای هاشمی در این باره گفت:

«این جزیره شده سمبل قدرت ما و ضعف عراق. مقاومت شما در دنیا خیلی معنا دارد و باید حفظ شود. جزیره ها مهم است، این عقیده من است نه سیاست.» (۲).

به هر حال، حمله ۷۲ ساعته ارتش عراق ناکام ماند. دشمن که در مقابل خود مقاومتی دور از تصور و پیش بینی را مشاهده می کرد، به مرور با تحمل تلفات و ضایعات فراوان، دریافت که ادامه تک غیر از به مسلخ بردن نیروها، نتیجه ای دیگر ندارد. لذا از پس گرفتن جزایر مجنون منصرف شد و شروع به تحکیم مواضع کرد.

در عملیات خیبر، ارتش عراق برای اولین بار در سطحی گسترده به بمباران شیمیایی اقدام کرد. این بمباران بیشتر به دلیل هراس دشمن از استقرار و تثبیت نیروهای خودی در منطقه عملیاتی صورت گرفت. رژیم عراق پس از ناامیدی از باز پس گیری جزایر شمالی و جنوبی مجنون، بمباران شیمیایی این منطقه را تشدید کرد.

ص: ۳۱

۱- ۲۹. خمیرمایه این مقاومت، گذشته جنگ و ضرورت کسب پیروزی اساسی و نیز پیام حضرت امام خمینی مبنی بر حسین وار جنگیدن بود. در این عملیات سپاه پاسداران با تمامی توان خود برای دفع تهاجمات دشمن و حفظ جزایر مجنون ایستاد و در جریان نبرد با دشمن، شهادت و جراحت تعدادی از فرماندهان سپاه به مقاومت نیروها در جزیره جنوبی مجنون جلوه ای خاص بخشید. حاج ابراهیم همت، فرمانده لشکر ۲۷ محمد رسول الله (ص) و اکبر زجاجی، معاون اول این لشکر، هنگامی که سوار بر موتور به دنبال رساندن نیرو به خط بودند، بر اثر اصابت توپ در کنار یکدیگر، به شهادت رسیدند. حمید باکری، قائم مقام لشکر عاشورا نیز جلوه ای از حماسه مقاومت را در صحنه نبرد جزیره مجنون جنوبی به نمایش گذاشت؛ تعدادی از نیروهای لشکر ۳۱ عاشورا با فرماندهی وی، روی پل جنوبی جزیره جنوبی در مقابل محور اصلی پاتک دشمن ایستادگی کردند. «حمید» در همان جا با شهادت خود معنا و مفهوم حسین وار جنگیدن را به همگان نمایاند. پس از شهادت حمید باکری، معاون دوم لشکر عاشورا، مرتضی یاغچیان بدانجا شتافت و هرگز باز نگشت. در قسمتی از وصیتنامه شهید حمید باکری آمده است: «ما به فرموده امام، حسین وار وارد جنگ شدیم و حسین وار به شهادت می رسیم.» پس از شهادت حمید باکری، جسد وی و سایر هم رزمانش در همان جا بر زمین ماند. (محمد درودیان، از خرمشهر تا فاو - مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، چاپ هفتم، ۱۳۸۱، ص ۹۰ و ۹۲).

۲- ۳۰. همان، ص ۲۶۹.

### یگان های درگیر دشمن و میزان خسارت آنها

منطقه عملیاتی خیبر در حوزه استحفاظی سپاه سوم ارتش عراق قرار داشت و در جریان عملیات یگان های زیر از ارتش عراق در این منطقه درگیر شدند:

الف) یگان های پیاده، شامل تیپ های ۷۰۲، ۷۰۱، ۶۰۵، ۵۰۱، ۴۲۲، ۴۱۹، ۴۱۸، ۱۱۳، ۱۰۸، ۹۶، ۹۵، ۹۳، ۳۶، ۳۵، ۲۸، ۲۳، ۲۲، ۱۹، ۱۸، ۱۱، ۵، ۳ و ۷۰۴ پیاده.

ب) یگان های زرهی، شامل تیپ های ۳۷، ۳۰، ۲۶، ۱۶، ۱۴، ۶ و ۵۶ زرهی و تیپ ۵۵ مختلط.

ج) یگان های مکانیزه، شامل تیپ های ۲۵، ۲۰، ۱۵، ۸ و ۲۷ مکانیزه.

د) گارد مرزی و گارد ریاست جمهوری، شامل تیپ های ۸، ۵ و ۱۱ گارد مرزی و یک تیپ از گارد ریاست جمهوری.

ه) نیروی مخصوص، شامل تیپ ۶۵.

و) بیش از ۱۰ گردان جیش الشعبی و کماندو.

ز) حدود ۳۰ گردان توپخانه (۱).

یگان های درگیر دشمن در این عملیات به طور متوسط از ۲۰٪ تا ۱۰۰٪ منهدم شدند. گفتنی است که تیپ ۵۶ زرهی دشمن به میزان ۱۰۰٪ منهدم شد.

### تلفات و خسارات دشمن

۱۵۰۰۰ تن از نیروهای عراقی کشته یا زخمی شدند.

- ۱۱۴۰ تن از نیروهای عراقی اسیر شدند که در میان آنها ۳۵ افسر، ۳۰ درجه دار، ۸۷۳ سرباز و جیش الشعبی و نیز ۱۰۲ غیرنظامی از کشورهای مصر، سودان، مراکش، سومالی و عراق مشاهده می شد.

- ۱۵۰ دستگاه تانک و نفربر و ۲۰۰ دستگاه خودروی دشمن منهدم گردید.

ص: ۳۲

مجموعاً ۱۱۸۰ کیلومتر مربع از این منطقه عملیاتی تصرف شد که شامل ۱۰۰۰ کیلومتر مربع هور، ۱۴۰ کیلومتر مربع جزایر و ۴۰ کیلومتر مربع از منطقه طلائی می شد. همچنین دسترسی به چاه های نفت منطقه میسر شد.

## غنایم

علاوه بر اقدام و تجهیزات صنعتی که در این منطقه به دست رزمندگان افتاد و همچنین تجهیزات و سلاح های انفرادی، ۱۰ دستگاه تانک و نیز ۶۰ دستگاه ماشین آلات مهندسی از دشمن به غنیمت گرفته شد (۱).

ص: ۳۳



عملیات خیبر از نظر سیاسی و نظامی تأثیر بسزایی در روند جنگ به جای گذاشت. از نظر نظامی پس از ورود قوای ایران به خاک عراق، به دلیل تحولی که در استراتژی و تاکتیک ارتش عراق به وجود آمد، اجرای عملیات به شیوه گذشته امکان پذیر نبود. از این رو لازم بود با دستیابی به ابتکارات جدید و اتخاذ تدابیری تازه، صحنه نبرد از رکود و توقف در پشت دیوار دفاعی عراق خارج شده و بار دیگر، موازنه نظامی برقرار شود. اجرای عملیات خیبر آغاز تحولی دیگر در دوره پس از فتح خرمشهر بود و عملیات های بعدی تا سال ۱۳۶۵ و نیز عملیات های نظامی در خلیج فارس (در سال ۱۳۶۶) از این اندیشه جدید تأثیر پذیرفتند.

از لحاظ سیاسی، تصرف این منطقه فشار زیادی بر عراق وارد کرد، زیرا در منطقه جنوب، جزایر مجنون یکی از مناطق استراتژیک برای این کشور به شمار می رفت و به همین دلیل، دولت عراق سرمایه گذاری زیادی در این منطقه کرده بود. روزنامه فایننشال تایمز درباره ی اهمیت جزایر مجنون نوشت:

«ذخایر نفتی جزایر مجنون را که حدود هفت میلیارد بشکه تخمین زده شده است، هشت سال قبل شرکت «تیروبراس» برزیل کشف کرد. در ژانویه ۱۹۸۰ میلادی، ۹ ماه قبل از آغاز جنگ خلیج (فارس)، یک پروژه عمرانی دو میلیارد دلاری برای آن تصویب شد، اما به سبب جنگ، کارهای این پروژه شروع نشد. عراقی ها پیش بینی کرده بودند که تولید اولیه از این منابع، روزانه ۳۵۰ هزار بشکه خواهد بود که به ۷۰۰ هزار بشکه در روز افزایش خواهد یافت.» (۱).

بدیهی است که تسلط ایران بر این منابع به عنوان برگ برنده ای در مذاکرات سیاسی درباره سرنوشت جنگ و مسئله غرامت به شمار می رفت.

ص: ۳۴

در این بخش، بازتاب عملیات خیبر از دو جنبه سیاسی و نظامی بررسی می شود. در بعد سیاسی، واکنش و مواضع امریکا، عراق و رسانه های جمعی غرب مرور می گردد و در بعد نظامی، تأثیر این عملیات در روند آینده جنگ از نگاه بیرونی بررسی می شود.

## بازتاب سیاسی عملیات

### واکنش امریکا

پیروزی عملیات خیبر بیش از همه، منافع قدرت های بزرگ و در رأس آنها منافع دولت امریکا را تهدید می کرد. مهم ترین نگرانی در محیط بیرونی آن بود که احتمال شکست نظامی عراق همچنان وجود داشت؛ زیرا پس از عملیات رمضان تا بعد از عملیات والفجر ۱، دیوار دفاعی مستحکم و پر مانع عراق و خنثی کردن تاکتیک های ایران - که مانع پیروزی ایران در عملیات های بزرگ شد - این اطمینان را به وجود آورده بود که ارتش عراق قادر است حملات ایران را دفع کند، لیکن ابتکار جدید ایران که دور از ذهن نظامیان و کارشناسان نظامی عراق بود، این باور و اطمینان را متزلزل کرد. از این رو، عمده ترین نگرانی امریکایی ها احتمال شکست عراق بود. رادیو امریکا در این باره گفت:

«امریکا خواستار پیروزی هیچ طرفی نیست و حل جنگ را از راه گفت و گو ترجیح می دهد. اما برخی کارشناسان معتقدند که عراق روز به روز آسیب پذیرتر می شود و امریکا دلوپس آن است که عراق جنگ را ببازد.» (۱).

برژینسکی، مشاور امنیتی رئیس جمهوری سابق امریکا نیز گفت:

«شکست عراق در این جنگ، منافع امریکا را به خطر می اندازد و کشورهای خلیج فارس از جمله کویت، قطر، بحرین و عربستان سعودی را فوراً تحت تأثیر قرار خواهد داد. امروز اوضاع خاورمیانه به ویژه منطقه خلیج فارس غیر قابل پیش بینی ترین حالت را دارد و نگران کننده است.» (۲).

ص: ۳۵

---

۱- ۳۴. خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه گزارش های ویژه، ۲۵ / ۱ / ۱۳۶۳.

۲- ۳۵. مأخذ شماره ۳۱، ص ۱۱.

همچنین، جرج بوش معاون رئیس جمهور امریکا در سخنان خود خطاب به کمیته روابط امریکا و اسرائیل نگرانی عمیق خود را از چشم انداز پیروزی ایران ابراز کرد:

«در صورتی که ایران در این نبرد به پیروزی دست یابد، برآیند این تهدید نسبت به کشورهای حوزه خلیج فارس و تمامی منطقه، تا آن حدی عظیم خواهد بود که منطقه تاکنون شاهد آن نبوده است.» (۱).

بر پایه این تشویش و نگرانی که نتیجه سیاست های کلی امریکا در منطقه و در مقابله با جمهوری اسلامی بود، خطر ایران آن چنان بزرگ جلوه داده شد تا امریکا بتواند، بر خلاف گذشته، تعهد خود مبنی بر حمایت از عراق را علنی کرده و کمک به حکومت عراق و آمادگی امریکا برای رویارویی با تحولات احتمالی در منطقه خلیج فارس را مطرح سازد. شبکه تلویزیونی سی.بی.اس امریکا گزارش داد:

«امریکا اطلاعاتی را که از طریق ماهواره های شناسایی خود دریافت می کند، در اختیار عراق قرار می دهد تا پیش بینی تهاجمات ایران امکان پذیر باشد. به گفته رادیو بی.بی.سی دولت ریگان ظاهراً تصمیم گرفته است بیش از پیش، در این جنگ، طرف عراق را بگیرد؛ زیرا کشورهای عرب، وی را متقاعد ساخته اند که پیروزی ایران عواقب فاجعه آمیزی بر تعادل منطقه خواهد داشت.» (۲).

اقدام دیگر امریکا، دیپلماسی فعال منطقه ای است. پس از بروز شکست عراق، رامسفلد و ریچارد مورفی، از جمله مقام های امریکایی بودند که با سفر به کشورهای منطقه و گفت و گو درباره جنگ ایران و عراق، خطر شکست عراق را با مقام های حکومتی این کشورها در میان گذاشتند. مورفی، معاون وزیر خارجه امریکا درباره سفر خود و دیدار از کشورهای عربی منطقه خلیج فارس گفت:

«اوضاع کنونی منطقه متشنج و توأم با خطر و تهدید است و مناسب است که اقدام به اجرای مذاکرات دائم و پیوسته جهت بالا بردن سطح آمادگی به منظور مقابله با هر گونه اوضاع استثنایی که احتمال

ص: ۳۶

---

۱- ۳۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه گزارش های ویژه، ۲۲ / ۱ / ۱۳۶۳، ص ۴۸.

۲- ۳۷. روابط عمومی فرماندهی کل سپاه پاسداران، عملیات خیبر و پیامدهای جهانی آن، ۱۳۶۳، ص ۶.

بروز آن هست، داشته باشیم.» (۱).

روزنامه ی امریکایی وال استریت ژورنال نیز نوشت:

«ریگان که از تضعیف تدریجی عراق در جنگ با ایران دچار هراس شده است، دستور تهیه طرح های جدیدی را به منظور تقویت عراق در جنگ با ایران به دستیارانش صادر کرده است. به گفته مقام های امریکایی، در پی این دستور مخفی ریگان که اخیرا به امضا رسیده است، دولت ریگان هیئت عالی رتبه ای را به کشورهای حوزه خلیج فارس اعزام کرده است. این هیئت که ریاست آن را ریچارد مورفی، معاون وزارت خارجه امریکا، به عهده دارد و از پادشاهی سعودی، شیخ نشین بحرین و عراق دیدار خواهد کرد، مأمور تهیه طرح های سفارش شده ریگان است. به توصیه ریگان، نقش وزارت خارجه امریکا در تهیه طرح های جدید، چاره اندیشی در مورد جلوگیری از سقوط صدام است. و این احتمالا از طریق متقاعد ساختن اردن و فرانسه برای ارسال مقادیر بیشتری تسلیحات نظامی به عراق، می تواند انجام پذیرد.» (۲).

و بالاخره تأکید مجدد بر جلوگیری از دست یابی ایران به تسلیحات، اقدام دیگر امریکا برای تحت فشار قرار دادن جمهوری اسلامی به منظور پذیرش صلح تحمیلی و در نتیجه حمایت از عراق بود. دولت ریگان از کشورهای اروپایی و سایر کشورها درخواست کرد که از فروش سلاح به ایران خودداری کنند. علاوه بر این، امریکایی ها به طور غیر مستقیم به عراق یادآور شدند که از نیروی هوایی خود بیشتر استفاده کند و دامنه جنگ را به پشت جبهه و مناطق غیرنظامی گسترش دهد تا از این طریق، مواضع ایران تعدیل شود. جیمز پلاک، معاون وزارت خارجه امریکا در خاورمیانه نیز این موضوع را چنین عنوان کرد:

«اگر احتمال شکست عراق در این جنگ وجود داشته باشد دولت بغداد احتمالا با بمباران گسترده مواضع غیرنظامی، از بروز این شکست جلوگیری خواهد کرد.» (۳).

ص: ۳۷

---

۱- ۳۸. خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه گزارش های ویژه، ۳۱ / ۱ / ۱۳۶۳، ص ۲.

۲- ۳۹. خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه گزارش های ویژه، ۲۴ / ۱ / ۱۳۶۳.

۳- ۴۰. خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه گزارش های ویژه، ۱۹ / ۱ / ۱۳۶۳، ص ۳۳.

غافل گیری مطلق ارتش عراق در برابر حمله رزمندگان اسلام، گونه ای از عقب ماندگی و شتاب زدگی را برای این کشور در پی داشت. این بار، دشمن دریافت که تدابیر تاکتیکی او در میادین نبرد نقش تعیین شده اش را از دست داده و در منطقه ای که تصور نمی کرد، مواضع ارزشمندی را از دست داده است. به بیان دیگر، عراق با پدیده جدیدی مواجه شده بود که غلبه بر آن بسیار دشوار و بلکه غیرممکن می نمود. این پدیده، نبوغ و ابتکار نظامی نیروهای ایرانی بود که هر آن امکان داشت ارتش عراق را در وضعیت جدید و خاصی قرار دهد که کنترل آن قابل پیش بینی نبود. از این رو، مهم ترین واکنش رهبران عراق در برابر عملیات خیبر، نگرانی از ایستادگی و غیر قابل پیش بینی بودن تحرکات رزمندگان اسلام بود.

عراقی ها در پی اجرای عملیات خیبر به تلاش های سیاسی و نظامی گوناگونی اقدام کردند، از جمله:

۱ - هشدار به کشورهای عربی خلیج فارس مبنی بر آنکه عراق خاکریز دفاع از آنهاست.

صدام حسین در دیدار با اعضای دفتر دائمی اتحادیه حقوقدانان عرب گفت:

«ما نگفتیم سدی که از سینه های مردان در مرزهای عراق بسته شده است، سدی است که برادران ما را در خلیج (فارس) حمایت می کند مگر اینکه برادران ما در خلیج (فارس) این موضوع را عنوان کردند که اگر خدای نکرده این سد فرو ریزد، طوفان در مرزهای خلیج (فارس) متوقف نخواهد شد و از آن فراتر خواهد رفت.» (۱).

۲ - تهدید ایران به مقابله جدی و دعوت از جامعه بین الملل برای پایان دادن به جنگ.

پافشاری ایران بر تنبیه متجاوز و احقاق حقوق خود، یکی از نگرانی های رهبران بعثی بود و عراقی ها در مناسبت های مختلف و با

ص: ۳۸

تهدید، در صدد منصرف کردن جمهوری اسلامی ایران از ادامه جنگ بودند. از این رو، آنها ضمن اعلام آمادگی برای مقابله با ایران، جامعه جهانی را برای نجات خود به کمک فراخواندند. روزنامه عراقی جمهوریخواه تلاش مجدانه بین المللی برای تحمیل صلح به ایران شد و نوشت:

«عراق در حالی این دعوت را مطرح می کند که در نهایت آمادگی برای درهم شکستن هر گونه تجاوز جدید ایران که در آن تلفات ایران بیشتر از گذشته خواهد بود به سر می برد.» (۱).

فرمانده سپاه سوم عراق نیز گفت:

«ما کمر آنها را شکسته ایم ولی می دانیم که آنها به محض گردآوردن نیرو و تجهیزات کافی، بار دیگر دست به حمله خواهند زد.» (۲).

۳ - تلاش برای بین المللی کردن جنگ.

فشار اقتصادی ناشی از جنگ، بار سنگینی را بر نظام سیاسی عراق وارد می کرد طوری که بقاء این رژیم را در تهدید جدی قرار داده بود. زاید حیدر، سفیر رژیم عراق در کنیا در این باره گفت:

«عراق برای ادامه جنگ با جمهوری اسلامی مجبور است ماهانه یک میلیارد دلار هزینه جنگی پردازد.» (۳).

برای رهایی از این وضع، استفاده از سلاح شیمیایی و حمله به تأسیسات نفتی و نفت کش هایی که نفت ایران را حمل می کردند، دو اقدام اساسی عراقی ها بود. آنها با توجه به اهمیت نفت و نقش آن در جهان صنعتی، دست به این اقدام زدند و امیدوار بودند با مقابله به مثل جمهوری اسلامی، کشورهای دیگر، به ویژه ابرقدرت ها را وادار کنند که فشار بیشتری بر جمهوری اسلامی وارد آورند.

۴ - حمله به مناطق مسکونی.

۵ - مسئله تنگه هرمز و تأسیسات نفتی جزیره خارک.

مهم ترین هدف عراق بازداشتن ایران از ادامه جنگ با توسل به شیوه ها و ابزار گوناگون بود. برای رسیدن به این هدف، عراق پس از

ص: ۳۹

---

۱- ۴۲. همان، به نقل از رادیو بی.بی.سی، ص ۸.

۲- ۴۳. مأخذ ۳۶، ۱۱ / ۱۲ / ۱۳۶۲، ص ۵.

۳- ۴۴. خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه گزارش های ویژه، ۱۶ / ۱۲ / ۱۳۶۳، ص ۲۲.

عملیات خبیر، تلاش تازه ای را آغاز کرد که مورد نظر امریکا و کشورهای اروپایی نیز بود. عراق با آگاهی از اتکاء ایران به درآمدهای نفتی برای پیشبرد جنگ، این بار، حمله به تأسیسات نفتی خارک را به عنوان مهم ترین اقدام نظامی در صدر تلاش های خود قرار داد. برای این منظور پنج فروند هواپیمای سوپراتاندارد مجهز به موشک های اگزوست از فرانسه اجاره کرد. این عمل، بیش از آنکه در تحقق هدف مورد نظر عراق مؤثر باشد، ژستی تبلیغاتی و روانی بود. مقام های امریکایی و رسانه های غرب نیز در اظهارات و تحلیل های خود حمله به تأسیسات نفتی ایران را تنها راه پیش روی عراق عنوان می کردند. در واقع، عراق با این حرکت، علاوه بر محدود کردن درآمدهای ارزی ایران، فشار اجتماعی و بین المللی کردن جنگ را نیز در نظر داشت. این اقدام عراق قبل از شروع و پس از آن، از جنبه های گوناگون مورد توجه مقام ها و رسانه های غربی قرار گرفت. آسوشیتدپرس در این باره گزارش داد:

«مقام های امریکایی می گویند، اگر عراق نتواند حملات ایران را دفع کند، ممکن است برای حمله به تأسیسات نفتی ایران وسوسه شود.» (۱).

رادیو بی.بی.سی نیز اعلام کرد:

«حرکت بعدی به عهده رئیس جمهور عراق، صدام حسین خواهد بود که یا شکست را ریسک کند و یا اینکه موشک ها را به طرف خارک شلیک کند.» (۲).

رادیو اسرائیل به نقل از روزنامه آلمانی فرانکفور ترالگمانیه گفت:

«عراق دو راه در پیش دارد یا اینکه از موضع برتر جنگ را ادامه دهد یا اینکه به کانون نفتی ایران ضربه بزند.» (۳).

فرد هالیدی، متخصص در امور خاورمیانه در گفت و گو با شبکه ای.بی.اس. امریکا گفت:

«امکان اینکه عراق برای کشاندن امریکا به این جنگ و نجات دادن خود سعی در کوبیدن تأسیسات نفتی ایران در خارک را داشته

ص: ۴۰

---

۱-۴۵. خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه گزارش های ویژه، ۹ / ۱۲ / ۱۳۶۲، ص ۲۹.

۲-۴۶. همان، ص ۱۴.

۳-۴۷. مأخذ ۴۴.

باشد بیشتر می شود و چنین احتمالی نزدیک تر می شود... [بر اساس] محاسبات امریکا و انگلیس، چنانچه یک نمایش قدرت و یا استفاده از قدرت بر علیه ایران داشته باشند، این، (امام) خمینی را متوقف خواهد کرد و احتمالاً جنگ را متوقف کرده و یا آن را تحت کنترل خود در خواهد آورد.» (۱).

رادیو بی.بی.سی نیز گفت:

«احتمال می رود که این تصور برای مقام های عراقی پیش آید که افزایش میزان تشنج در خلیج فارس، تنها راه ترغیب تلاش های بین المللی برای پایان دادن به جنگ ایران و عراق است.» (۲).

خبرگزاری یونایتدپرس نیز طی تحلیلی گزارش داد:

«صدام حسین این روزها با تهدید به بستن شاهرگ نفتی ایران در خلیج فارس، سعی دارد آخرین سلاح خود را به نمایش بگذارد. صدام حسین به دلیل تهاجم اخیر ایران که یکی از بزرگ ترین تهاجمات ایران در طول ۳/۵ سال جنگ بوده است و هنوز نیز ادامه دارد و همچنین، به دلیل درگیر جنگ بودن با یک دشمن بسیار قوی تر و از سوی دیگر، به دلیل باختن تدریجی جنگ اقتصادی، تحت فشار شدیدی قرار گرفته است. کارشناسان دفاعی می گویند که عراق ظاهراً قادر به فلج ساختن صادرات نفتی ایران از راه انجام حملات هوایی بر علیه کشتی ها و ترمینال نفتی جزیره خارک هست. عراقی ها از نیروی هوایی بهتری نسبت به ایران برخوردار هستند و این نیرو را با موشک های روسی و همچنین پنج فروند جت فرانسوی سوپراتاندارد مجهز به موشک های اگزوست - که در جریان جنگ جزایر فالکلند بین آرژانتین و انگلیس بسیار مؤثر بودند - تقویت کرده اند.» (۳).

رادیو امریکا به نقل از روزنامه واشنگتن پست پس از اشاره به این گزارش که عراق برای نخستین بار هواپیماهای سوپراتاندارد را در جنگ با ایران به کار گرفته است، گفت که مقام های امریکایی این اقدام را گام دیگری به سوی بحرانی می دانند که ادامه جریان نفت از

ص: ۴۱

---

۱- ۴۸. خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه گزارش های ویژه، ۱۰ / ۱ / ۱۳۶۳، ص ۳۲.

۲- ۴۹. همان.

۳- ۵۰. مأخذ ۴۰، ۱۶ / ۱۲ / ۶۲، ص ۲.



خلیج فارس را دربر می گیرد و همچنین، آنها تازه ترین اقدام عراق را نشانی تازه از ناتوانی آن کشور در جنگ دیرپا با ایران تعبیر می کنند. بعضی نیز آن را بازتابی از افزایش نگرانی درباره تقویت نظامی ایران برای حمله ای بزرگ در خاک عراق می بینند. عراق روز ۲۷ فوریه با حمله به نفتکش ها در نزدیکی جزیره خارک، اعلام کرد که محاصره این منطقه را آغاز کرده است.

عراق از نهم اسفند ۱۳۶۲ جزیره خارک و نفت کش هایی را که به قصد بارگیری به پایانه های نفتی ایران می آمدند، هدف حمله قرار داد و روز به روز بر دامنه و شدت حملات خود افزود، به گونه ای که تردد نفت کش ها به خارک به طوری چشمگیر کاهش یافت. در چنین وضعی، ایران دریافت که بایستی محل صدور نفت خود را به دریای عمان انتقال دهد. اما این کار، به سادگی میسر نبود و تنها ذخیره سازی در محلی دورتر از خلیج فارس ممکن بود. در این حال، یکی از اقدامات کاربردی ایران برای کاهش فشار، حمایت از نفت کش ها بود. بدین منظور، بانک مرکزی ایران اعلام کرد تمام نفت کش هایی که به جزیره خارک بیایند و یا در دیگر بنادر ایران پهلو بگیرند، همراه با کالاهایشان بیمه خواهد کرد. (۱) علاوه بر این، اعلام شد کشتی هایی که به شمال خلیج فارس می آیند، از بیمه بیشتری برخوردار خواهند بود. برای پشتوانه این بیمه، ایران یک میلیون دلار به عنوان ضمانت در بانک لندن گذاشت.

از سوی دیگر، وزارت خارجه جمهوری اسلامی اعلام کرد در صورتی که ایران نتواند از منافع نفتی خود در خلیج فارس بهره مند شود، تنگه هرمز را مسدود خواهد کرد. این اظهارات بهانه مناسبی برای تبلیغات به رسانه های غربی داد. این رسانه ها با بزرگ کردن مسئله و حفظ حساسیت آن در خبرها و تحلیل های خود، سعی کردند ایران را در انفعال بیشتری قرار دهند، ضمن آنکه از این طریق، عراق به اهداف خود بیشتر نزدیک می شد. علاوه بر این، در پی اعلام ایران مبنی بر «مقابله به مثل» در خلیج فارس، امریکا مرز پنج مایلی

ص: ۴۲

اطراف کشتی های امریکایی مستقر در خلیج فارس را منطقه ممنوعه برای پرواز هواپیماها اعلام کرد تا بدین وسیله محدودیت بیشتری برای ایران ایجاد کرده و دست عراق را بازتر کند. اما جمهوری اسلامی، هر گونه شرطی را برای پرواز هواپیماهای خود بر فراز خلیج فارس رد کرد و هواپیماها در منطقه ممنوعه پرواز کردند و حتی در این پروازها یک بار، امریکایی ها به سوی هواپیمای ایرانی تیر هشدار شلیک کردند. در واقع، دامن زدن به مسئله خارک و مسدود شدن تنگه هرمز، نوعی جوسازی بود که امریکایی ها ایجاد کردند تا به منافع و مقاصد خاص خود برسند. آنها مروج اصلی شایعه در این زمینه بودند. به نوشته مجله الحوادث چاپ لندن این امر به بالا رفتن قیمت سهام شرکت های نفتی امریکایی کمک می کرد. (۱) همچنین، به گفته منابع خبری، هشدار ایران به بستن تنگه هرمز، موجب افزایش بی سابقه و چشمگیر دلار امریکا در بازار شد.

در هر حال، مسئله خارک که ابتدا در ایران مهم به نظر می رسید و در این زمینه نگرانی هایی وجود داشت، در محیط بیرونی نیز جنجال بسیاری ایجاد کرد. تدابیر دفاعی و مقابله به مثل ایران، موجب شد به مرور عراق حملات خود را کاهش دهد و این برگ برنده را که از مدت ها پیش درباره آن جنگ روانی به پا کرده بود، از دست بدهد.

#### ۶ - استفاده از سلاح شیمیایی

یکی از مهم ترین تحولاتی که طی جنگ تحمیلی به وقوع پیوست، به کارگیری سلاح شیمیایی در میداین نبرد به وسیله عراق بود که اوج آن (تا سال ۱۳۶۲) در عملیات خیر اتفاق افتاد. در طول این عملیات، دشمن چندین بار از این سلاح استفاده کرد. نخستین حمله شیمیایی دشمن در هشتم اسفند ۱۳۶۲ در هورالهویزه انجام شد و از این تاریخ تا پایان عملیات، نیروی هوایی عراق با پرتاب راکت های شیمیایی، مناطق عملیاتی را آلوده کرد، به گونه ای که شماری از رزمندگان اسلام بر اثر آن شهید و یا دچار جراحات شدید شدند. موضع امریکا در برابر این مسئله دوگانه بود. ابتدا طرح آن را از جانب

ص: ۴۳

ایران یک ادعا خواند. صدای امریکا به نقل از سخن گوی وزارت خارجه این کشور گفت:

«امریکا نمی تواند گزارش مربوط به ادعای ایران درباره استفاده عراق از سلاح های شیمیایی در جنگ علیه ایران را تأیید کند.» (۱).

اما روزنامه واشنگتن پست از قول مقام های امریکایی نوشت:

«حکومت بغداد به خاطر حمله خیبر، در آستانه سقوط قرار گرفته و ناگزیر در استفاده از سلاح شیمیایی بوده است.» (۲).

در واقع، مقام های امریکایی به طور غیررسمی اعلام کردند که عراق برای جلوگیری از پیشروی ایران، ناچار است از هر نوع سلاحی استفاده کند. آنها همچنین، برای تحت الشعاع قرار دادن این موضوع، مسئله حقوق بشر در ایران را که یک حربه و دستاویز کهنه است، به عنوان یک موج تبلیغاتی مطرح کردند و ضد انقلاب وابسته را تحریک کردند تا برای دست یابی به اهداف خود، مطالبی را علیه جمهوری اسلامی عنوان کند. در همین راستا، حزب توده، سازمان چریک های فدایی خلق، حزب دمکرات و سازمان مجاهدین خلق (منافقین) و اعضای فرقه بهائیت نیز به بیان مطالب بی پایه ای علیه انقلاب اسلامی پرداختند که در روزنامه های کشورهای غربی به چاپ رسید.

به طور کلی، با وجود عدم برخورد منطقی و انسانی کشورهای اروپایی، امریکا و سازمان های بین المللی با این اقدام، موج وسیعی از خبر، تحلیل و روشنگری در مورد حکومت ضد بشری عراق در اظهارات مقام های سیاسی و رسانه های جمعی کشورهای مختلف منعکس شد و این کشور را در موضع انفعالی بیشتری قرار داد.

### واکنش رسانه های غرب

شبکه های رادیو و تلویزیونی، نشریات و خبرگزاری های غربی در بازتاب اخبار عملیات خیبر، همچون گذشته، موضع منفی و مخربی را اتخاذ کردند. این رسانه ها در روندی مرحله بندی شده، ابتدا در صدد برآمدند، حمله ایران را عادی و بدون تأثیر خاص جلوه دهند و گفتند

ص: ۴۴

۱- ۵۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارش ها و بازتاب های عملیات خیبر، ۱۱ / ۱۲ / ۱۳۶۲، ص ۲۹.

۲- ۵۴. خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه گزارش های ویژه، ۲۸ / ۱۲ / ۱۳۶۲، ص ۲۵.

که ایران ادعا می کند مناطقی را تصرف کرده است اما عراق می گوید ایرانی ها را وادار به عقب نشینی کرده است. در واقع، در این مرحله، پیشروی ایران را مهم ندانستند. در مرحله دوم، آنها مدعی شدند که عراق از تمام امکانات خود برای عقب زدن ایران استفاده نکرده است و همچنین، ایران در صدد حمله جدیدی است و نیروی زیادی را جمع آوری کرده است. طرح این مسئله برای القای این موضوع بود که حمله اصلی ایران آغاز نشده است. پس از این مرحله و اطمینان از اینکه ایران توانسته است بر جزایر مجنون مسلط شود، به نقل از فرماندهان عراق، موجی از خبرها را روی شبکه های خبری بردند، مبنی بر اینکه تلفات ایرانی ها در این عملیات بسیار زیاد است. علاوه بر این، درباره ترکیب سنی داوطلبان رزمنده و اینکه ایران از پیرمردها و نوجوانان کم سن استفاده کرده است، اخبار زیادی را پخش کردند. امام خمینی درباره چگونگی برخورد رسانه های تبلیغی غرب با عملیات خیبر، ضمن با اهمیت توصیف کردن این عملیات، اخبار این منابع را درباره تلفات ایران، بیش از هر چیز ناشی از اهمیت نبرد خیبر دانستند. ایشان در ۱۴ اسفند ۱۳۶۲ چنین بیان کردند:

«میزان در اینکه جنگ ما خوب است یا بد، تبلیغاتی است که در خارج می شود، هر جا هر چه بیشتر تبلیغ بر ضد می شود، معلوم می شود که اینجا زیادتر است... مثل خرمشهر که بیشتر از جاهای دیگر ما پیروزی داشتیم، آنجا بیشتر تبلیغات می کردند. من امروز وقتی ملاحظه می کنم، می بینم از همیشه الان بیشتر تبلیغات بر ضد می شود... مثلاً در رأس اخبار هیچ وقت بنابراین نبود، آن وقت، دروغ هایی که در آنها گفته می شود، اینکه این ایرانی ها چطور شدند، اینها از بین رفتند، دور و برشان را گرفتند، محاصره شان کردند، از بین بردند. یک دفعه می گویند عراق می گوید ما ۳۰ هزار نفر را کشتیم، یک دفعه می گویند ۱۸ هزار نفر را، امروز گفتند ۵۰ هزار نفر، خوب فردا هم لابد می گویند ۲۰۰ هزار نفر. آنها هر وقت شکست زیادتر باشد، به عبارت دیگر، حجم شکست آنها موافق با

حجم تبلیغاتشان است. هر چه تبلیغاتشان زیاد بشود، این میزانی است که باید ملت توجه کند. هر جا دیدند که زیادتر هیاهو می کنند، زیادتر راجع به شکست ما می گویند، بدانید که آنجا ما پیروزمند زیادتر بودیم.» (۱).

## بازتاب نظامی عملیات

بازتاب نظامی عملیات خیبر در منابع خبری و اظهارات مقام های سیاسی کشورهای جهان خصوصا غربی ها در مقایسه با بازتاب های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، اخبار و تحلیل های محدودی را به خود اختصاص داد.

مهم ترین بازتاب نظامی این عملیات از نظر منابع غربی نوع طرح ریزی و ابتکار عمل فرماندهان نظامی سپاه پاسداران است که به طور مستمر صورت جنگ را از وضعی به وضع دیگر مبدل می سازند و صحنه های جنگ را از رکود و یکنواختی که مورد رضایت فرماندهان نظامی عراق بود، خارج می کنند. موضوع مهم دیگری که در این زمینه مورد توجه رسانه ها قرار گرفت، حمله رزمندگان اسلام به نقاط ضعف عراق بود. به طور کلی، بازتاب نظامی عملیات خیبر را می توان در این محورها بررسی کرد:

۱ - اجرای عملیات فریب

۲ - ابتکار عمل توأم با شجاعت و کیفیت رزمی

۳ - استفاده وسیع از هوانیروز برای اولین بار

۴ - استفاده از نقاط ضعف عراق

۵ - مقاومت

۶ - مشکل پشتیبانی و ارسال تجهیزات

۷ - نصب پل

۸ - اهمیت زمین هورالهویزه برای هورها و دشت های حدفاصل بصره و بغداد.

قبل از شروع عملیات، چند حمله محدود در جبهه های غرب، میانی

ص: ۴۶

و جنوب انجام گرفت که هدف فرماندهان سپاه از اجرای آنها، تنها حفظ غافل گیری دشمن و جلوگیری از هوشیاری دشمن در مورد منطقه عملیات اصلی بود. حمله های محدود در محور دربندیخان، چنگوله، چیلان و جزابه قبل از عملیات خیبر بیشتر با این هدف انجام شد. این هدف از نظر منابع خبری بین المللی و منطقه ای مخفی نماند. به گزارش برخی رسانه های خبری، در بررسی های ناظران آمده است که مقام های تهران در تهاجم خود به بخش مرکزی، سعی کرده اند نوعی دستپاچگی در فرماندهی عراق به وجود آورند و توجه آنها را از هدف واقعی که فرماندهی تهران برای آن طرح ریزی می کند، منحرف سازند. این منابع همچنین حمله رزمندگان اسلام در محور العزیر در جناح شمالی عملیات در هور و حمله در محور القرنه را که هر دوی آنها نزدیک جاده بصره - عماره انجام شد، به اشتباه عملیات فریب تصور و این تلاش را مقدمه ای برای تصرف جزایر مجنون قلمداد کردند. در حالی که این دو محور جزو ارکان طرح ریزی عملیاتی برای دست یابی به هدف های مورد نظر در عملیات خیبر بودند.

صدای امریکا در ۳۰ فروردین ۱۳۶۳ در این باره گفت:

«دیپلمات های غربی، عرب و آسیایی در تهران، تاکتیک های جنگی ایرانیان را که در هفته های اخیر منجر به تسخیر جزیره مجنون در جنوب عراق گردید، می ستایند. آنان می گویند، حملات انحرافی ایران به شاهراه بصره - بغداد در واقع مقدمه ای برای حمله به جزیره مجنون بوده است.» (۱).

خبرگزاری رویتر نیز در این باره گزارش داد:

«دیپلمات های خارجی در مصاحبه ای با خبرگزاری رویتر، همگی متفق القول بودند که تصرف جزیره مجنون موفقیت رزمی درخشانی برای ایرانیان و ضربه شدیدی به روحیه رئیس جمهوری عراق و نیروهایش بوده است. یک دیپلمات ارشد گفت: ایرانی ها یک سری حملات انحرافی که نشان می داد آنها به طرف بصره یا اتوبان اصلی

ص: ۴۷

بصره - بغداد در منتهی الیه شمالی می روند، انجام دادند. وی افزود: در حقیقت، هدف آنها در تمام مدت، جزیره مجنون بوده است و آنها، عراقی ها را کاملاً شگفت زده کردند.» (۱).

همچنین درباره حمله ایران به نقاط ضعف عراق، خبرگزاری فرانسه گزارش داد:

«ناظران متذکر می شوند، نیروهای ایرانی از تاکتیکی استفاده می کنند که با پرداختن به نقاط ضعف دفاع رقیب، اغلب موفق است.» (۲).

موضوع دیگری که از بعد نظامی مورد توجه محافل خبری قرار گرفت، جسارت عملیاتی، دقت نظر و کیفیت نیروهای عمل کننده به ویژه در محور العزیر و نیز اجرای عملیات آبی - خاکی بود که حیرت فرماندهان عراقی و منابع غربی را برانگیخت. خبرنگار روزنامه دیلی تلگراف نوشت:

«یک ستوان دوم عراقی که در نبرد شرکت داشت و من را به مناطق نبرد هدایت می کرد، گفت که ایرانیان یک حمله بسیار دقیق و گستاخانه را از سمت باتلاق های تحت تصرف خود آغاز کردند. نیروهای ایرانی با استفاده از قایق های بزرگ و قدرتمند شبانه از میان نزارها و کانال های آب عبور کرده و گروه کوچکی در میان تعجب، روستای البیضه را تصرف کردند. ایرانیان بلافاصله با استحکام مواضع دفاعی هزاران تن نیروی تقویتی و تسلیحات و مهمات را بدون وقفه و با استفاده از هلی کوپتر و قایق های بیشتری به داخل منطقه مزبور ریختند.» (۳).

در این باره، خبرگزاری فرانسه در سوم فروردین ۱۳۶۳ چنین گزارش داد:

«ناظران عقیده دارند، نتیجه نبرد جزایر مجنون... هر چه باشد، تاکتیک های نظامی ایران از نظر جسارت و شهامت در تاریخ مورد استفاده قرار خواهد گرفت.» (۴).

مسئله به کارگیری هوانیروز در عملیات خیبر یکی دیگر از

ص: ۴۸

---

۱- ۵۷. خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه گزارش های ویژه، ۴ / ۱ / ۱۳۶۳، ص ۱۴.

۲- ۵۸. مأخذ ۳۶، ص ۱۳.

۳- ۵۹. خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارش ها و بازتاب های عملیات خیبر، ۱۴ / ۱۲ / ۱۳۶۲، ص ۱۰.

۴- ۶۰. مأخذ ۳۶، ص ۱۲.

ویژگی های این نبرد بود که در خبرها منعکس شد. از نظر منابع خبری جهان، ایران برای نخستین بار، به طور وسیع از هلی کوپترهای حمل و نقل استفاده کرد. (۱) با این حال، این رسانه ها عنوان کردند که ایران در ارسال تجهیزات به جزیره (مجنون) با مشکل مواجه شد (۲) و از بعد نظامی، آن را یکی از مشکلات حمله اخیر برشمردند.

مقاومت رزمندگان اسلام در عملیات خیبر به ویژه در حفظ جزایر مجنون، روح عملیات خیبر و هسته اصلی آن به شمار می رفت. مقاومت ۷۲ ساعته در جزیره همراه با محدودیت بسیار و در مجموع عملیات در زمینی که هیچ گونه تجربه قبلی در مورد آن وجود نداشت، بسیار دشوار بود و رسیدن به اهداف، تنها با استقامت و روحیه انقلابی و آرمان خواهی امکان پذیر بود. این مسئله مورد توجه خاص فرماندهان عراقی قرار گرفت به گونه ای که با مشاهده این وضع، درباره پایان جنگ در کوتاه مدت اظهار بدبینی کردند. روزنامه کلارین، چاپ بوئنوس آیرس نوشت:

«یک ژنرال عراقی به نام ماهر عبدالرشید نسبت به پایان جنگ اظهار بدبینی نمود و گفت: پس گرفتن جزیره مجنون از آنچه که ما فکر می کردیم، سخت تر شده است.» (۳)

این اظهار نظر در زمانی بود که هنوز پل خیبر نیز نصب نشده بود. نصب پل به طول ۱۳ کیلومتر روی آب های هور، یکی از موفقیت های نظامی مهم به شمار می رفت که در تاریخ نظامی ایران بی سابقه بود. این مسئله نیز مورد توجه منابع غربی قرار گرفت. خبرگزاری فرانسه در سوم فروردین ۱۳۶۳ گزارش داد:

«به گفته مسئولین دولتی امریکا، دست یازیدن به پل قایقی با چنین طولی، در تاریخ نظامی مدرن بی سابقه است.» (۴)

مسئله مهم دیگری که از بعد نظامی توجه ناظران را به خود جلب کرد، موقعیت استراتژیک منطقه ای بود که برای عملیات انتخاب شده بود. خبرگزاری یونایتدپرس درباره اهمیت جزیره مجنون و نقش آن در «هورها» و زمین های اطراف گزارش داد:

ص: ۴۹

۱- ۶۱. همان، ص ۱۳.

۲- ۶۲. خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه گزارش های ویژه، ۱۷ / ۱۲ / ۱۳۶۲، ص ۷.

۳- ۶۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه گزارش های ویژه، ۲۸ / ۱۲ / ۱۳۶۲، ص ۲۹.

۴- ۶۴. مأخذ ۳۶، ص ۱۲.



«مجنون اکنون برای دفاع عراق حیاتی است، زیرا اگر به طور دائم به دست ایران سقوط کند، عراقی ها در خطر تحت سلطه قرار گرفتن در باتلاق های نرم و دشت های بین بغداد و بندر بصره قرار می گیرند.» (۱).

در مجموع، با پیروزی های به دست آمده در عملیات خیبر که به طور مشهود در نبوغ و ابتکار نظامی سپاه خودنمایی کرد، زمینه مساعدی برای پیشبرد سیاست های نظام فراهم شد. گرچه به دلیل دست نیافتن به یک پیروزی کامل که با تصرف یک منطقه استراتژیک توأم باشد، فشارهای امریکا و غرب همچنان ادامه یافت و امریکا با سیاست «ترغیب» و «فشار» در یک استراتژی مرحله ای در پی آن بود تا ایران را به پای میز مذاکره بکشاند. این فشارها بیشتر پس از عملیات خیبر اعمال شد. ایجاد محدودیت در کسب درآمدهای ارزی، اعمال کنترل بر خرید تجهیزات و سلاح های مورد نیاز ایران و حمایت و تقویت عراق، از جمله عوامل فشار علیه ایران بودند.

علاوه بر این، امریکایی ها به وضعیت و توان نظامی عراق حساسیت نشان دادند و در مورد راه های نظامی کمک به عراق، به منظور جلوگیری از سقوط ارتش این کشور در مقابل رزمندگان اسلام، با حضور در خلیج فارس و انجام دادن سفرهایی به عراق، در یک بررسی ضعف عراق را در دو زمینه اعلام کردند:

۱ - نداشتن استراتژی دقیق و روشن.

۲ - روحیه پایین سربازان عراقی.

امریکا همچنین روند رو به گسترش روابط خود با عراق را که پس از عملیات رمضان آغاز شده بود، توسعه داد و بیست روز پس از انتخاب دوباره ریگان به ریاست جمهوری امریکا، در ششم آذر ۱۳۶۳ دو کشور به طور رسمی روابط خود را از سر گرفتند.

ص: ۵۰

### طراحی عملیات در جنوب بصره، منتفی شدن اجرای آن، موقعیت دشوار پس از عملیات خیبر

به دلیل اینکه عملیات خیبر در تعیین سرنوشت جنگ تأثیر اساسی نگذاشت، عملیات دیگری مطرح شد که نیروی زمینی ارتش طراح آن بود. بر اساس این طرح، منطقه جزیره مینو و خسروآباد در غرب رودخانه اروند برای اجرای عملیات انتخاب شد. این انتخاب از نظر اندیشه کلاسیک با خطر بسیار و ابهام زیادی همراه بود. اما هدف های جبهه جنوب به اندازه ی اهمیت داشت که هر اقدام نظامی در این جبهه در سرنوشت جنگ تعیین کننده بود. آقای هاشمی رفسنجانی در این باره در جلسه ای در دزفول به فرماندهان نظامی گفت:

«اگر شما بخواهید عماره را بگیرید، در آنجا خبری نیست، اگر بخواهید بروید بغداد، متر به متر جلوی ما از این [خطوط دفاعی شرق بصره] بدتر خواهد شد. در بصره، مردم تا کربلا شیعه هستند. اگر بخواهیم کاری کنیم، همین است که اینجا بکنیم.» (۱)

اوضاع کشور نیز به گونه ای بود که مسئولان وقت، یک پیروزی در جنوب را مهم و برای پیشبرد امور، حیاتی می دانستند. آقای هاشمی برای توجیه فرماندهان، بخشی از اوضاع سیاسی را چنین بیان کرد:

«هر روز که از جنگ می گذرد، مسائل از کانال سیاسی - نظامی برای ما مشکل تر می شود و دشمن خود را آماده تر می کند. قدرت های سیاسی دنیا دست اندرکارند تا ما را از پیروزی مطلق بازدارند و کشورهایی مانند ترکیه و پاکستان مایل نیستند ما به

ص: ۵۱

---

۱- ۶۶. سند شماره ۱۷۲ / گ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، گزارش «عملیات انجام نشده والفجر ۸» «تاریخ تدوین آذر ۱۳۶۳، ص ۱۲.

پیروزی برسیم. سوریه و لیبی که با ما خیلی صمیمی هستند، می خواهند ما به گونه ای پیروز شویم که دستمان در عراق باز نباشد. در هر کنگره و کنفرانس که شرکت می کنیم، به ما می گویند صلح بکنید. از نظر سیاسی چقدر می توان برای صلح نکردن مقاومت نمود؟ خریدهایی در آلمان و انگلیس داریم که در داخل به آن نیازمندیم، ولی نمی دهند تا صلح کنیم و همه کارها برای این است که ما از پیروزی مطلق چشم پوشی کنیم. اگر همه دنیا گفتند صلح و ما نکردیم، دشمن بمب اتم هم بیندازد، برای دنیا توجیه شده می باشد.» (۱).

اگر چه اجرای عملیات امری ضروری به شمار می رفت، اما تضمین پیروزی آن مهم تر بود. آقای هاشمی در نشست فرماندهان گفت:

«مصلحت ما نیست در چنین شرایطی، عملیات ناموفق داشته باشیم. در چنین شرایطی، زمان برای ما مهم است، چون دنیا پیروزی مطلق ما را نمی پذیرد لذا به مرور فشار می آورد. ما الان می توانیم با همین اعتبار نظامی ۲۰ درصد از خواسته هایمان را بگیریم ولی اگر عملیات ناموفق داشته باشیم ۵ درصد [هم] نمی توانیم بگیریم.» (۲).

وی جنبه پیروزی عملیات را نیز راه گشا دانسته افزود:

«همان گونه که اگر ناموفق باشیم زحمات شما به اضافه تلفات و افتخارات زیر سؤال رفته و شاید هم از دستمان برود [ولی در صورت موفقیت] می توانیم توپ مستقر نموده و رابطه عراق را با خلیج فارس قطع کنیم، صفوان را تهدید کنیم و به کشورهای خلیج فارس نزدیک شویم. در واقع، شکل جغرافیایی جنگ عوض خواهد شد. اگر در آن طرف آب (رودخانه) بمانیم، فشار سیاسی به دنیا وارد خواهیم ساخت و هدف های بعدی ما، سیاسی - نظامی است، نظامی محدود. ما در آینده عملیات بزرگی نخواهیم داشت. اگر خودمان را به ام القصر برسانیم و در آنجا بایستیم عملیات آخر خواهد بود و ۶۰ درصد خواسته هایمان را خواهیم گرفت [همچنین] اگر ما بتوانیم با کشیدن یک خط، دهانه فاو را از بصره جدا کنیم تا از پشت مورد

ص: ۵۲

---

۱- ۶۷. همان.

۲- ۶۸. همان، ص ۱۴.

حمله نباشیم، خارک و ماهشهر از خطر جدی در امان می شود و رفت و آمد کشتی ها نیز در امان خواهد بود. در این صورت، ما هیچ عجله ای برای هیچ کاری نداریم، عربستان سعودی تحت فشار قرار می گیرد تا از همه امکاناتش برای پایان گرفتن جنگ استفاده کند.» (۱).

با آنکه اجرای عملیات پیروز در جنوب بسیار مهم بود، اما به دلیل وجود ابهامات فراوان در مورد مانور و روش های مورد نظر برای تصرف منطقه عملیاتی، هوشیاری دشمن و نبودن امکانات لازم، اجرای عملیات در جنوب بصره منتفی شد. گرچه امید زیادی به این تلاش وجود داشت و آقای هاشمی به بازتاب سیاسی آن امیدوار بود، اما گزارش برخی از فرماندهان، گره های موجود را در سر راه این عملیات آشکار کرد. لذا آقای هاشمی به عنوان فرمانده جنگ با وجود عدم تمایل به لغو این عملیات، ناچار به این تصمیم شد. در پی این تصمیم، وی خواستار پاسخ گویی فرماندهان به معضلات کشور شد. وی گفت:

«اگر این است، باید بگویید ما نمی توانیم بجنگیم، تا ما برویم به مردم بگوییم و راه دیگری پیدا کنیم. اگر ما حالا جنگ را ختم کنیم، وضع نظامی مان در دنیا خوب است ولی شش ماه دیگر خیر. اگر نمی توانید، حالا بگویید. فرماندهان راه ما را مشخص کنند، برای ما مشکل است که بچه های مردم شهید می شوند. چند راه حل وجود دارد: ۱ - با اعتبار نظامی جنگ را تمام کنیم، اگر می پسندید، عمل کنیم. ۲ - اگر پیشنهاد دارید، به ما بگویید در کجا خواهید جنگید؟ بنشینید، مسئله جنگ و مسئله انقلاب را حل کنید، بگویید چه کنیم؟ اگر کسی نظرش این است که نمی شود بجنگیم، حالا باید تصمیم گرفت. در همین موقعی که آبرو داریم، شرایط صلح را فراهم کنیم و بجنگیم. این یک راه است و من نمی دانم کسی در میان شماها هست که بخواهد این راه را پیشنهاد کند یا نه؟ اگر هست باید بعدا بگوید، من نمی گویم اینجا صریح بگوید.» (۲).

ص: ۵۳

---

۱- ۶۹. همان، ص ۱۵ و ۲۱.

۲- ۷۰. همان، ص ۱۱۶ و ۱۱۷.

آقای هاشمی سپس درباره چگونگی تصمیم‌گیری برای پایان جنگ گفت:

«در مورد صلح، نظر امام مطرح است و ایشان می‌گویند بدون جنگ صلحی امکان ندارد و اگر ما هم نتوانیم بجنگیم، به مردم می‌گویند بروید بجنگید.» (۱).

درباره این عملیات بحث بسیاری شد اما برای اجرای آن نتیجه‌ای حاصل نشد و سرانجام این عملیات از دستور کار خارج شد.

ص: ۵۴

---

۱- ۷۱. همان، ص ۱۱۹، جلسه ۳۰ / ۴ / ۱۳۶۴، دزفول.

## ضمیمه: توصیف گوشه ای از عملیات خیبر، یادی از شهید حمید باکری

متن ضمیمه از زبان احمد کاظمی فرمانده لشکر ۸ نجف (در زمان جنگ)، در «کتاب به مجنون گفتم زنده بمان - کتاب اول، حمید باکری» از انتشارات روایت فتح درج شده است، که در اینجا نقل می شود.

حمید و مهدی (باکری، قائم مقام و فرمانده لشکر ۳۱ عاشورا) خیلی زود خوش درخشیدند. طوری که تیپ شان را به حد لشکر رساندند و عملیات های خوبی را پشت سر گذاشتند... تا اینکه رسیدیم به خیبر. خیبر عملیات بزرگ و سختی بود، هم از لحاظ استراتژیکی، هم از لحاظ تاکتیکی، هم از لحاظ مکان آبی - خاکی بخصوصش و ابزار و ادواتی که باید در آن به کار می گرفتیم.

خیبر می توانست عملیات بزرگ و صد در صد موفقی بشود. عراق هیچ تصور نمی کرد ما بخواهیم به این منطقه بیاییم. این را از نوع ابزار و نوع جنگمان حدس زده بود. برای همین خیلی غافل گیر شد وقتی دید آمده ایم: برای رسیدن به نشوه، برای رسیدن به جاده های مهم بصره و در خیزهای بعدی برای رسیدن به خود بصره. اشغال جزیره ها یک سکوی پرش مطمئن بود برای این خیزهای بعدی، لکن ما ابزار نداشتیم. در این جنگ، هر کس که سرعت عمل بیشتری می داشت، موفق می شد لذا مجبور شدیم متکی بشویم به زمین، به خشکی جبهه طلایه، که باید باز می شد و از آنجا تدارکات جبهه خیبر را فراهم می کردیم که البته جبهه طلایه باز نشد که نشد، در نتیجه ما باید جزایر را حفظ می کردیم.

عملیات این طور شروع شد که ما باید از چند کیلومتر آب عبور می کردیم، هور را پشت سر گذاشته، وارد جزیره می شدیم، می جنگیدیم، عبور می کردیم و می رفتیم طرف نشوه و طرف هدف هایی که مشخص شده بود. بیشتر این نیروها را باید در شب اول وارد جزیره می کردیم تا بروند برای پاک سازی. بخشی از این نیرو باید با قایق می آمد و بخشی دیگر در روزی که شبش عملیات می شد و بخشی هم اول تاریکی شب. که این بخش آخر باید با هلی کوپترها هلی برد می شدند.

حمید با نیروهای فاز اول بلم ها حرکت کرد که برود برای مسدود کردن کانال سویب، کانالی که راه داشت به پلی به نام شیتات، محل اتصال جزایر به هم از نشوه.

آن پل باید گرفته می شد تا عراقی ها نتوانند وارد جزیره بشوند. حمید سریع به هدف هایش رسید و از آنجا مدام گزارش می داد. ما وارد جزیره شدیم. با حمید تماس گرفتیم. گفت پل شیتات دستش است. گفت: «اگر می خواهید نیرو بیاورید مشکلی نیست. بردارید بیاورید.»

سریع تمام نیروها را فراخوانی کردم، آوردم شان طرف پدها و درگیری اولیه شروع شد. تا صبح تمام گردان ها را وارد جزیره کردیم. پیش حمید هم رفتم، دیدم آرایش خیلی خوبی گرفته روی کانال و پل سویب. برگشتم رفتم تکلیف گردان های دیگر را هم مشخص کردم که بروند کجا و چطور با پایگاه های دیگر، داخل جزیره، دست بدهند. گزارش هایی از جزیره می رسید که هنوز مقاومت هایی هست. آن ها هم تا صبح خنثی شدند و جزیره افتاد دست ما. حالا ما بودیم و کلی غنیمت و نزدیک دو هزار نفر اسیر. نمی شد با هلی کوپتر فرستادشان. هواپیماها آمده بودند توی منطقه و هلی کوپترها را شکار می کردند. مجبور شدیم با چند تا قایق آنها را از جزیره خارج کنیم.

با حمید تماس گرفتم گفتم آماده باشد برای هدف های بعدی. خبر رسید طلایه با مشکل جدی مواجه شده و عملیات نتوانسته در آنجا پیش برود. حالا- ما باید توقف می کردیم تا وضع جبهه سمت چپ مان مشخص شود. شب شد. سر و سامانی به امکانات دادیم و استراحتی هم به بچه ها.

به حمید نزدیک بودیم، حدود یک کیلومتر، و قرار بود از پلی که او گرفته عبور کنیم. حرکت ما بستگی به باز شدن طلایه داشت. یعنی ما باید با هم پیش می رفتیم. حالا که طلایه باز نشده بود رفتن مان معنا نداشت. از طرف دیگر، از سمت راست ما، تک هماهنگی زده شده بود که عراقی ها را سرگرم می کرد و آنها آنقدر فشار آوردند که سمت راست مان هم مشکل پیدا کرد. عراقی ها داشتند خودشان را آماده می کردند برای یک جنگ بزرگ و ما منتظر شدیم تا شب بچه ها بروند طلایه عمل کنند و ما هم برویم طرف نشوه. قفل طلایه بسته ماند. از ما خواستند از همان جزیره برویم سمت طلایه. چرا که جزیره وصل می شد به پشت طلایه. فاصله زیادی را باید پشت سر می گذاشتیم. به جز پل حمید (پل شیتات) پل دیگری هم بود که عراقی ها از آنجا نیرو وارد می کردند. عراق اصلا کاری به جزایر نداشت. مخفی هم نبود. از راه چند پل رفت طلایه را تقویت کرد و فهمید ما پشت سرمان آب است و عقبه پشتیبانی نداریم. تمام تلاش و آتشش را گذاشت روی طلایه و حالا ما باید می رفتیم سمت همین طلایه که برایتان گفتم. الحاق ما در طلایه با بچه های دیگر

دست نداد. مجبور شدیم برویم پشت طلایه، نزدیک آن پل هایی که عراقی ها طلایه را از آنجا پشتیبانی تدارکاتی می کردند. بیشتر قوای عراق آن طرف پل بود. ما ماندیم و جزایر و فردا صبح، که جنگ اصلی توی جزیره ها شروع شد.

عراقی ها با خیال آسوده آمدند سراغ جزایر و تمام عملیات خیر متمرکز شد روی سرزمینی محدود بدون عقبه و نارسا در لجستیک و آتش پشتیبانی و تدارکات. با پنجاه شصت کیلومتر فاصله نمی توانستیم آتش عقبه داشته باشیم. عراقی ها کاملاً از این ضعف ما خبر داشتند. آمدند متمرکز شدند روبه روی جزایر، تقریباً از طرف جنوب، آن طرف کانال سویب. بعد هم رفتند الحاق کردند با نیروهایشان توی طلایه و پاتک شان از همین جا شروع شد.

روز اول پاتک آنها شکست خورد. دنیای آتش روی جزیره متمرکز بود و ما دست بسته و تنها. جزیره منتهی می شد به چند جا. اطراف جزیره آب بود و وسطش باتلاق و همه مجبور بودند از جاده عبور کنند و جاده هم بلند بود و هر کس، چه پیاده چه سواره، از آنجا می گذشت هدف تیر مستقیم تانک قرار می گرفت.

روز دوم فشار سختی به حمید و به پل شیتات آوردند. می خواستند پل را از حمید بگیرند و او نمی گذاشت. ما هم مرتب به او نیرو تزریق می کردیم، از همان نیروهایی که آورده بودیم ببریم طرف نشوه. بقیه را هم توی جزیره بازسازی و سازماندهی کردیم و پخش کردیم به جاهایی که لازم بود. پل را چند بار از حمید گرفتند و او بازپسش گرفت. روز سوم یا چهارم بود که عراق خیلی آتش ریخت روی جزیره، از طرف طلایه. طوری که همت (شهید حاج ابراهیم همت فرمانده لشکر ۲۷ محمد رسول الله (ص)) و چند نفر از فرمانده های دیگر مجبور شدند بیایند جزیره پیش ما. آنجا دیگر فرمانده و غیر فرمانده نداشت. هر کس هر سلاحی دستش می رسید برمی داشت می جنگید. مهدی تیربار برداشت و من آرپی جی تا برویم به عنوان نفر بجنگیم. رایمان مسلم شده بود که گرفتن جزایر قطعی است و باز دست بر نمی داشتیم.

نزدیک صبح هنوز مشغول درگیری بودیم که خبر رسید عراق رفته پل حمید را پشت سر گذاشته، دارد می آید توی جزیره. مهدی سریع یکی از مسئولان لشکر را (شهید مرتضی یاغچیان معاون دوم لشکر عاشورا) فرستاد برود پیش حمید. که تا رفت خبر آوردند توی جاده، دویست متر جلوتر از ما، شهید شده.

به مهدی گفتیم: «این طوری فایده ندارد. باید یکی از ما برود پیش حمید.»

حمید وضعش را مرتب گزارش می داد، با صلابت و آرامش، و درخواست نیرو



می کرد و مهمات، بیشتر از همه خمپاره. می گفت: «خمپاره شصت یادت نرود.»

و ما هر چی داشتیم می فرستادیم. آرپی جی، کلاش، خمپاره شصت، و تمامش هم در حد جیره یی که سهمیه اش بود. آخر مجبور شده بودیم مهمات را جیره بندی کنیم. وسیله برای آوردن مهمات نبود. هواپیماها هم هر تحرکی را زیر نظر داشتند و شکارشان می کردند و هیچ مهمات و تدارکاتی به دست ما نمی رسید. هر نیرویی که می رفت عقب، فشنگ هایش را تا دانه آخر می گرفتیم می بردیم خط و بین بچه ها بخش می کردیم. همین جا بود که به مهدی گفتم: «من می روم پیش حمید.»

فاصله مان با حمید زیاد نبود. پیاده رفتیم. آتش آنقدر وحشی بود که هیچ نیرویی نمی توانست خودش را سالم به خط برساند. تا مرا دید خندید. گفتم: «نه خبر؟»

آتش شدیدتر شده بود. نمی خواست من آنجا باشم. تلاش کرد ببردم جایی توی هور پنهانم کند. فاصله با عراقی ها کم بود. با آرپی جی و نارنجک تفنگی و هلی کوپتر و هر سلاحی که فکرش را بکنید می زدند. گفتم: «لازم نیست، حمید جان. آمده ام پیش تان باشم، نه این که بروم تو سوراخ موش قایم شوم.»

عراقی ها آنقدر زیاد بودند که اگر سنگ می زدی حتما می رفت می خورد به سر یکی شان. با نفر زیاد و آتش قوی آمده بودند پشت کانال را پاک سازی کنند. یک گوشه پل هنوز دستشان بود، وسط پل در وسط رودخانه، که از همان جا نمی گذاشتند کسی عبور کند. دیدم خط را نمی شود نگه داشت و ماندن خیلی سخت تر از رفتن است و رفتن هم یعنی از دست دادن کل جزیره و این هم امکان پذیر نبود. یعنی در ذهنم نمی گنجید.

حمید آمد روی خاکریز پهلوی من نشست. حرف می زدیم گاهی هم نگاهی به پشت سر می کردیم و عراقی ها را می دیدیم و آتش را. یا بچه های خودمان را، شهید و زخمی، که مهماتشان ته کشیده بود داشتند با چنگک و دندان خط را نگه می داشتند. تیرها فقط وقتی شلیک می شد که مطمئن می شدند به هدف می خورد.

یک وانت توپوتا، پر از نیرو، داشت می آمد طرف ما. همه شان داشتند به ما نگاه می کردند و دست تکان می دادند. جلو چشم ما خمپاره آمد خورد به وانت و منفجرش کرد و آتشش زد و خون مثل آبشار سرخ از همه جایش جوشید و شره کرد ریخت زمین. آنها نیروهایی بودند که داشتند می آمدند کمک حمید. حمید لیش را دندان گرفت. خیره شده به خون. آمد حرف بزند که گفتم: «خدا... خودش همه چیز را...»

سرم را انداختم زیر گفتم: «حتما خیری... در کار است.»

تصمیم گرفتیم پشت سرمان چند موضع دفاعی بزنیم تا اگر آنجا را هم از دست دادیم... و وای اگر آنجا را از دست می دادیم، سرتاسر کانال می افتاد به چنگ شان و بعد هم پل و جزیره. تانک ها خودشان را می رساندند به جزیره و جزیره می شد یک جهنم واقعی از آتش. مرتب به پشت خط خودمان نگاه می کردیم ببینیم کی کمک می رسد، یا کی خبری از شهید یا زخمی شدن کسی.

با مهدی تماس گرفتم گفتم: «هر چی لودر سراغ داری بردار ببر همانجا که خودمان نشسته بودیم. بگو سریع جاده را بشکافند یک خاکریز بزنند، که وقت خیلی تنگ است.»

دیگر نه نیرو می توانست برسد، نه آتش مقابله داشتیم، نه راهی برای رسیدن مهمات به خط. تصمیم گرفتم بمانم. احساس می کردم راه برگشتی هم نیست... که خمپاره شصتی آمد خورد کنارمان و... دیدم حمید افتاد و... دیدم ترکشی آمد خورد به گلویش و... دیدم خون از سرش جوشید روی خاک و... دیدم خودم هم ترکش خورده ام و... دیدم بی سیم چی ام آمد خون دستم را دید و اصرار کرد بروم عقب.

یکی از نیروها را صدا زدم گفتم: «سریع حمید را برمی داری می آوری عقب و برمی گردی سرجات!» بچه ها اصرار می کردند برگردم عقب. نمی توانستم. سرم را که چرخاندم دیدم عراقی ها دارند از روی پل می آیند که بعد بروند طرف کانال. ناچار کشیده شدم رفتم طرف پیچ کانال. تیر کلاش عراقی ها می خورد به بیست متری مان، یعنی این طرف خاکریز. رفتم رسیدم به جایی که سنگر مهدی هم آنجا بود و حالا باید سعی می کردم نفهمد من از حمید چه خبری دارم. طوری که مهدی نفهمد به یکی گفتم: «برو جنازه ی حمید را بیاور!» اما مهدی متوجه شده بود و گفت: «لازم نیست. بگذار بماند.» هر چه اصرار کردم قبول نکرد. گفت: «هر وقت جنازه ی بقیه را رفتیم آوردیم می رویم جنازه ی حمید را هم می آوریم.»

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریان‌های اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می‌نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com)

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می  
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه  
اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

